

The Impact of Political Connection & Financial Misstatement on Agency Costs: Evidences from Political Agency Hypothesis

*Mohammad Hassani^{*1}*

(Receipt: 2023.07.04- Acceptance: 2023.09.28)

Abstract

This paper assessed the impact of political connection and financial misstatement on agency costs especially in politically connected firms. Agency cost is measured using the ratio of operational expenses to operational sales revenues index. Also, politically governance affiliation in either board structure or ownership structure is considered as a proxy of political connection. In addition, managers' multi-period incentives to misstate earnings in financial reporting are based on accruals earnings management. Research population using screening method consists of 204 firms listed in Tehran Securities & Exchange over 10 years' period during March 2013 to March 2023. Research hypotheses investigated through multivariate regression models using panel data with fixed effect and generalized least squares method by E. Views software. Empirical findings documented that political connected firms have high level of agency costs significantly. Also, more managerial incentives to misstate earnings in financial reporting lead to increase agency costs level significantly. In addition, high level of earnings misstatement in politically connected firms caused to upward the agency costs level; In fact, these events enhance the interest conflict resulting from agency problems. So, it is aligned to political agency hypothesis, according to which the managers in politically connected firms, provoke agency conflicts due to opportunistic motives and harmful consequences of political connection. Other findings showed that the level of financial reporting misstatement and agency costs in politically connected firms has a significant difference compared to firms without political connection. This indicates the harmful consequences of political connections in Iran, which is important to understand from the costs of political connection perspective, especially for stakeholders.

Key Words: Political Connections, Financial Reporting Misstatement, Agency Problems, Interest Conflict.

1.Assistant Professor in Accounting, Department of Accounting & Auditing, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*.corresponding author: m_hassani@iau-tnb.ac.ir

نقش روابط سیاسی و تحریف گزارشگری مالی در بروز هزینه‌های نمایندگی: شواهدی از فرضیه نمایندگی سیاسی

محمد حسینی*

(دریافت: ۱۳/۰۴/۱۴۰۲-پذیرش نهایی: ۰۶/۰۷/۱۴۰۲)

چکیده

در این مقاله تأثیر وجود روابط سیاسی و ایجاد تحریف در گزارشگری مالی بر هزینه‌های نمایندگی به ویژه در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی ارزیابی شده است. شاخص ارزیابی هزینه‌های نمایندگی مبتنی بر نسبت هزینه‌های عملیاتی به درآمدهای عملیاتی فروش است. شاخص ارزیابی روابط سیاسی مبتنی بر وجود ارتباطات دولتی سیاسی در ساختار هیأت مدیره یا ساختار مالکیت سهام شرکت‌ها در نظر است. به‌علاوه، شاخص ارزیابی تحریف گزارشگری مالی مبتنی بر اقدام چند دوره‌ای مدیران جهت مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری است. جامعه آماری غربال شده پژوهش شامل ۲۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۰ ساله از ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ است. تحلیل فرضیه‌های پژوهش با بهره‌گیری از مدل‌های رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته طبق نرم‌افزار ای‌ویوز صورت گرفته است. یافته‌های تجربی نشان دادند در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی، سطح بالاتری از هزینه‌های نمایندگی وجود دارد. همچنین، به موازات افزایش تحریف سود در گزارشگری مالی، سطح هزینه‌های نمایندگی با افزایش مواجه شده است. ضمن این که افزایش میزان تحریف سود در گزارشگری مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی نیز سبب افزایش هزینه‌های نمایندگی شده است؛ در حقیقت، وقوع این رخدادها سبب تشدید تضاد منافع ناشی از مسائل نمایندگی شده و این امر منطبق با فرضیه نمایندگی سیاسی است که طبق آن مدیران شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی به واسطه انگیزه‌های فرصت‌طلبانه و آسیب‌های ناشی از روابط سیاسی به بروز تضادها و مشکلات نمایندگی دامن می‌زنند. سایر یافته‌ها گویای آن است که میزان تحریف گزارشگری مالی و سطح هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های فاقد روابط سیاسی از تفاوت معناداری برخوردار است. این امر حاکی از آسیب‌ها و پیامدهای منفی ناشی از برقرار روابط سیاسی در ایران است که درک آن از بعد مخارج ایجاد چنین روابطی به ویژه برای ذی‌نفعان حائز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی: روابط سیاسی، تحریف در گزارشگری مالی، مشکلات نمایندگی، تضاد منافع.

۱. استادیار حسابداری، گروه تحصیلات تکمیلی حسابداری و حسابرسی، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*. نویسنده مسئول: m_hassani@iau-tnb.ac.ir

مقدمه

با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، افراد ذینفع جهت همسو ساختن منافع یا حداقل نمودن آثار تضاد منافع، متحمل هزینه‌های نمایندگی می‌شوند. هزینه‌های نمایندگی بیانگر افزایش شدت تضاد منافع در شرکت‌ها است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). طبق نظریه نمایندگی، توابع مطلوبیت تهیه‌کننده اطلاعات و استفاده‌کنندگان اطلاعات متفاوت هستند و در قالب هزینه‌های نمایندگی قابل بررسی است. اختلاف بین منافع مدیران در نقش تهیه‌کنندگان اطلاعات با سهامداران، اعتباردهندگان، دولت و سایر ارکان در نقش استفاده‌کنندگان اطلاعات ضمن ایجاد مشکل نمایندگی، ممکن است به واسطه وقوع برخی تضادها سبب اتخاذ تصمیمات ناهمگون شود و عواملی منتج به بروز تضادها می‌شوند که شناسایی عوامل و تأثیر آن‌ها بر تضادهای نمایندگی دارای اهمیت است.

وقوع برخی تضادهای نمایندگی ممکن است ناشی از وابستگی به کانون‌های سیاسی قدرت باشد. در برخی نظام‌های اقتصادی، شرکت‌ها تمایل زیاد به برقراری روابط نزدیک با دولت به عنوان مرجع سیاسی قدرت دارند؛ زیرا در قبال این روابط از منافع زیادی بهره‌مند می‌شوند. در ضمن، شرکت‌های دارای روابط ممکن است منافع ناشی از این روابط را با دولت تسهیم نمایند. با این حال، دارا بودن روابط سیاسی با مخرجهای همراه است و ممکن است آثار مخربی داشته باشد. طبق برخی مطالعات، وجود روابط سیاسی شرکت‌ها به عنوان یکی از الگوهای نظام اقتصادی سبب افزایش شدت هزینه نمایندگی و تضاد منافع شده است (آریفور و همکاران، ۲۰۱۶). به علاوه، طبق نظریه نمایندگی به موازات تضاد منافع، بروز برخی رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران، مشوق‌های مدیریتی، انگیزه‌های خاص و برخی رویه‌ها و معاملات غیرعادی ممکن است به ایجاد هزینه‌های نمایندگی دامن بزند. در برخی از این موارد، تمایل مدیران به گزارش سود با اهداف مشخص و اقدام به مدیریت سود به ویژه از بعد فرصت‌طلبانه آن دارای منشاء نمایندگی است و طبق شواهد مطالعاتی، نقش مهمی در زمینه هزینه‌های نمایندگی دارد (مان، ۲۰۲۱). از طرفی، ارزیابی ابعاد مختلف مرتبط با هزینه‌های نمایندگی حاکی از برخی تعاملات بین این عوامل است. در برخی مطالعات ارتباط مدیریت سود با روابط سیاسی تحلیل شده است (پراتیوی و سیرگار، ۲۰۱۹). این موضوع می‌تواند به واسطه امکان بروز تضاد منافع بر شدت هزینه‌های نمایندگی تأثیر داشته باشند.

ارزیابی وجود روابط سیاسی به واسطه منافع و مخارج بالقوه احتمالی آن، در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است. در عین حال، ابهام در مورد پیامدهای وجود روابط سیاسی در کشورهای مختلف به ویژه ایران، سبب شده که مطالعه زوایای مختلف این ارزیابی از اهمیت برخوردار شود. از یک سو، نقش وجود روابط سیاسی در شکل‌گیری تضادهای نمایندگی و از سوی دیگر، انگیزه‌های مدیران جهت تحریف سود در گزارشگری مالی به عنوان یکی از مصادیق تضادهای نمایندگی و به ویژه بروز تحریف گزارشگری مالی و کاهش کیفیت اطلاعات مالی به عنوان یکی از آسیب‌های برقراری روابط سیاسی سبب شده است در این مطالعه، تأثیر برخورداری روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی و پیامد انگیزه‌های مدیران در تحریف گزارشگری مالی بر هزینه‌های نمایندگی به ویژه در شرایط وجود روابط سیاسی مورد بحث قرار گیرد. هرچند در برخی مطالعات، به طور مجزا روابط میان این مفاهیم بررسی شده، اما ارزیابی نقش تعاملی تحریف گزارشگری مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در بروز هزینه‌های نمایندگی مورد توجه قرار نگرفته است. ضمن این که ارزیابی مقایسه‌ای تحریف گزارشگری مالی و هزینه‌های نمایندگی بین شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی و شرکت‌های فاقد روابط سیاسی نیز در مطالعات گذشته داخلی انجام نشده است. دانش‌افزایی معین مطالعه این است که جایگاه وقوع تحریف در گزارشگری مالی تحت شرایط برخورداری از روابط سیاسی بر بروز تضادهای نمایندگی مورد ارزیابی قرار گرفته است؛ از طرفی، بررسی این که آیا برخورداری از روابط سیاسی با تحریف بالاتر (پایین‌تر) گزارشگری مالی و سطح بالاتر (پایین‌تر) هزینه‌های نمایندگی همراه است یا خیر، از جنبه ارزیابی منافع و مخارج روابط سیاسی از مباحث مهم قابل بررسی است که در این مطالعه به آن توجه شده است. براین اساس، پرسش‌های کلیدی مطالعه این هستند که هزینه‌های نمایندگی چگونه تحت تأثیر

برخورداری از روابط سیاسی قرار می‌گیرد؟ هزینه‌های نمایندگی چگونه تحت تأثیر تحریف در گزارشگری مالی قرار می‌گیرد؟ و در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی چگونه تحت تأثیر تحریف در گزارشگری مالی قرار می‌گیرد؟ در ادامه، مبانی نظری، پیشینه‌های تجربی، فرضیه‌ها، روش‌شناسی، یافته‌ها و نتیجه‌گیری ارائه شده‌اند.

مبانی و پیشینه نظری پژوهش

اساس دیدگاه نمایندگی، جدایی مالکیت از مدیریت است. بر مبنای رابطه نمایندگی، مالکان از جانب خود مدیران را منصوب کرده و اختیار تصمیم را به آن‌ها تفویض می‌کنند. اما، وجود انگیزه‌های متفاوت مالکان و مدیران سبب ایجاد مشکلاتی نمایندگی از جمله تضاد منافع، عدم تقارن اطلاعاتی، انتخاب نامطلوب، خطر اخلاقی و عدم اطمینان می‌شود و این موارد سبب وقوع هزینه‌های نمایندگی می‌شود. طبق مبانی نظری، هزینه‌های نمایندگی شامل هزینه‌های نظارت و کنترل، هزینه‌های التزام و زیان باقیمانده است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). هزینه‌های نظارت مدیر از سوی مالکان به واسطه طرح پاداش، اختیار خرید سهام و استفاده از خدمات حسابرسان انجام می‌گیرد. هزینه‌های التزام مربوط به ساختار سازمانی است که بتوان رفتار نامطلوب مدیر را محدود کرد. زیان باقیمانده تفاوت عملیات واقعی و عملیات مورد انتظار مدیر است که به دلیل منافع شخصی رخ داده و سبب کاهش رفاه سهامداران می‌شود. با این حال، ارزیابی هزینه‌های نمایندگی از چالش‌های مهم این حوزه است و تلاش‌های انجام شده موجب طرح معیارهایی مانند نسبت درآمدهای عملیاتی به دارایی‌ها، نسبت هزینه‌های عملیاتی به درآمدهای عملیاتی و تعامل فرصت رشد و جریان نقد آزاد شده است (مکنایت و ویر، ۲۰۰۹).

بروز هزینه‌های نمایندگی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. با این حال، شدت و ضعف وقوع هزینه‌های نمایندگی بسته به بسترهای مختلف و ماهیت قوت و ضعف شرایط محیط قانونی و نظارتی، می‌تواند از عوامل مختلفی الگو گرفته و یا منجر به پیامدهایی شود. یکی از الگوهای مبتنی بر نظام‌های اقتصادی که در برخی مطالعات مرتبط با هزینه‌های نمایندگی شناسایی شده، بحث روابط سیاسی شرکت‌ها است (آریفور و همکاران، ۲۰۱۶) و این موضوع با افزایش مدیران و مالکان دارای روابط سیاسی در رأس شرکت‌ها در اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه همراه است (دینگ و همکاران، ۲۰۱۵). مطالعات نشان داده‌اند نفوذ مدیران و مالکان شرکت‌ها در محافل سیاسی و رابطه آن‌ها با کانون قدرت سیاسی عامل مهمی در ارزیابی نحوه مدیریت شرکت‌ها است (فاسیو، ۲۰۰۶؛ چانی و همکاران، ۲۰۱۱). در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط است. اما در برخی کشورها، نظام اقتصادی مبتنی بر روابط به وسیله الزامات قانونی ضعیف و عدم شفافیت شناخته می‌شوند. مدیران دارای روابط سیاسی می‌توانند از قدرت سیاسی برای تقویت جایگاه خود و تأثیر بر نتایج شرکت استفاده کنند. روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی شرکت‌ها، بلکه بر انگیزه مدیران در ارتباط با گزارشگری مالی اثر می‌گذارد. سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت‌ها و دولتی بودن برخی شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر نظام اقتصادی حاکم بر کشور باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های با روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی شده است. در مطالعات مختلفی، وجود روابط سیاسی از ابعاد منافع و مخارج مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در برخی از مطالعات به ابعادی از منافع روابط سیاسی در شرکت‌ها از جمله دسترسی آسان‌تر به منابع مالی، وام‌های بانکی و بوجه‌هایی با شرایط مناسب، احتمال بالای نجات از توقیف، افزایش ارزش سهام، هزینه سرمایه کمتر، ریسک کمتر، قدرت بازار بیشتر، عملکرد بهتر، امتیازهای معامله از قبیل اولویت در قراردادهای دولتی اشاره شده است. از طرفی، برخی مطالعات حاکی از وجود ابعادی از مخارج روابط سیاسی در شرکت‌ها از جمله کیفیت اطلاعات مالی پایین‌تر، انتخاب مدیران و اعضای هیأت مدیره با صلاحیت پایین، کاهش عملکرد شرکت به دلیل کاهش انگیزه‌های مدیریتی یا ناکارآمدی، رانتهای اقتصادی ویژه و معافیت در برابر قوانین معین، فرصت‌های رشد کمتر، هزینه بدهی بالاتر، کارایی کمتر، اجتناب مالیاتی، دستیابی به منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت و هزینه‌های

نماینده‌گی بالاتری هستند (فاسیو و همکاران، ۲۰۰۶؛ فان و همکاران، ۲۰۰۷؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۰۸؛ فاسیو، ۲۰۱۰؛ براگیون و مور، ۲۰۱۳؛ برتراند و همکاران، ۲۰۱۸).

در شرایطی که محیط قانونی ضعیفی بر بازار حکمفرما باشد، تلاش مدیران در دستیابی به اهداف و منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت سبب می‌شود شرکت‌ها انگیزه بهره‌گیری از روابط سیاسی داشته باشند (فاسیو، ۲۰۰۶). طبق نظریه نمایندگی، تلاش مدیران در دسترسی به منافع شخصی سبب تضاد نمایندگی بالاتر می‌شود؛ از این رو پیش‌بینی می‌شود شرکت‌های دارای روابط سیاسی، سطح بالاتری از هزینه‌های نمایندگی متحمل شوند (آریفور و همکاران، ۲۰۱۶). از طرفی، برخورداری از روابط سیاسی ممکن است پیامدهای مثبتی داشته باشد. از این رو، به واسطه منافع ناشی از روابط سیاسی مبنی بر تلاش جهت همگرایی منافع بین ذی‌نفعان، ممکن است در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی کمتر باشد.

در شرایط وجود تضاد منافع بین سهامداران و مدیران ناشی از مشکلات نمایندگی، وجود مکانیزمی جهت اطمینان از شفافیت اطلاعات مالی ضروری است (مکنایت و ویر، ۲۰۰۹). پیامد تضاد منافع مدیران و گروه‌های ذی‌نفع، تحمل هزینه‌های نمایندگی از سوی ذی‌نفعان جهت همسو ساختن منافع سایرین با خود و یا به حداقل رساندن آثار ناشی از تضاد منافع است. مدیران با داشتن اختیار عمل از سوی سایر ذی‌نفعان در کانون تضاد منافع قرار دارند و تلاش می‌کنند با ارائه اطلاعات مالی شرکت، هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند؛ اما به واسطه برخی نشانه‌های تضاد منافع و انگیزه‌های اختیاری ممکن است اطلاعات ارائه شده مدیران با سوءگیری‌هایی همراه باشد. یکی از انحراف‌های مدیران در گزارشگری مالی مرتبط با گزارش سود است. سود از اجزای مهم بحث نمایندگی، طرح پاداش، قرارداد بدهی و هزینه‌های سیاسی است. مطالعات متعددی حاکی از تمایل مدیران جهت مدیریت سود است که منشاء آن عدم تقارن اطلاعاتی است (هیلی و والن، ۱۹۹۹). مدیران چند راه برای مدیریت سود دارند؛ آنان می‌توانند جهت دستیابی به سود هدف با تغییر سطح یا ماهیت فعالیت‌های اقتصادی اقدام به مدیریت سود کنند (رویچادوری، ۲۰۰۶) یا با گزینش رویه‌ها و برآوردهای حسابداری تعهدی، مدیریت سود کنند (جونز، ۱۹۹۱) یا از تغییر طبقه‌بندی به عنوان راهبرد مدیریت سود بهره‌گیرند (مکوی، ۲۰۰۶).

ارتباط بین سهامداران و مدیران شرکت مملو از تضاد منافی است که از جدایی مالکیت و کنترل، تفاوت اهداف مدیران و سهامداران، و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران ناشی می‌شود (دی، ۲۰۰۸). مدیران معمولاً سود را به واسطه دستیابی به منافع شخصی در مقایسه با منافع دیگر ذی‌نفعان مدیریت می‌کنند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۳؛ هولتاسن، ۱۹۹۰؛ آریا و همکاران، ۲۰۰۳؛ جیراپورن و همکاران، ۲۰۰۸؛ هائو و یائو، ۲۰۱۰). شواهدی بیانگر آن است که بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری به عنوان مرجع مدیریت سود ارتباط مثبتی با احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی دارد (اینس، ۲۰۱۷). طبق پژوهش‌های تجربی، در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی بالا و شفافیت اطلاعاتی پایین، مدیران انگیزه بیشتری برای رفتارهای فرصت‌طلبانه دارند و وقتی اهداف مدیران و سهامداران در تضاد است، مدیران ممکن است از برتری اطلاعاتی در جهت منافع و نیازهای خود استفاده کرده و اطلاعات غیر واقعی را به سهامداران ارائه دهند. هر چه اختلاف مدیران و سهامداران بیشتر باشد، مدیران بیشتر مستعد درگیری‌های اخلاقی می‌شوند (راشید، ۲۰۱۶). گرچه مدیریت سود پیامد رفتاری هزینه‌های نمایندگی بین سهامداران و مدیران است، اما، محتوای شواهد تجربی در خصوص رابطه هزینه‌های نمایندگی و مدیریت سود تا اندازه‌ای مبهم است؛ زیرا مدیریت سود توسط مدیران با اهداف متفاوت انجام می‌گیرد. اگر مدیریت سود در جهت منافع شخصی مدیران نباشد، انتظار می‌رود شرکت‌های با هزینه‌های نمایندگی بالا، از مدیریت سود پایینی برخوردار باشند، به‌خاطر این که مدیران سود را جهت منافع شخصی مدیریت نمی‌کنند (جیراپورن و همکاران، ۲۰۰۸). اگر تضادهای منافع میان مدیران و مالکان کاهش داده شود، هزینه‌های نمایندگی که خود باعث این تضادها شده است، تقلیل یافته و می‌تواند به کاهش سطح مدیریت سود کمک کند؛ اما اگر مدیریت سود با اهداف فرصت‌طلبانه مدیران انجام

شود، شرکت‌های با هزینه‌های نمایندگی بیشتر، مدیریت سود بالاتری خواهند داشت و بین مدیریت سود و شدت تضاد نمایندگی رابطه مثبتی وجود دارد؛ لذا، با در نظر گرفتن تضاد منافع میان مدیران و مالکان، مدیران شرکت‌ها می‌توانند از انگیزه لازم برای مدیریت سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند؛ بنابراین، هزینه‌های نمایندگی به طور مستقیم با مدیریت سود مرتبط است (بینگ، ۲۰۱۶).

به طور کلی، نگرانی‌های دهه‌های اخیر در حوزه تضادهای موجود در روابط میان مدیران با سهامداران و سایر ذی‌نفعان سبب شده است ارزیابی هزینه‌های ناشی از تضاد منافع در لوای مشکلات نمایندگی اهمیت یابد. این موضوع به ویژه زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که مدیران به عنوان نمایندگان مالکان از انگیزه‌های مختلفی برای اخلال در گزارشگری مالی برخوردارند که می‌تواند سبب تحریف گزارشگری مالی شود. از دیگر سو، بهره برداری مدیران و مالکان شرکت‌ها از برقراری روابط با کانون قدرت سیاسی کشور جهت دستیابی به مزایای این روابط سبب شده است نگرانی‌هایی در خصوص پیامدهای منفی و آسیب‌های مخرب این موضوع بررسی شود. در مقاله پیش‌رو، تأثیر روابط سیاسی و نقش انگیزه‌های مدیران جهت تحریف گزارشگری مالی بر هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها به ویژه در شرایط وجود روابط سیاسی بررسی شده است.

پیشینه مطالعات تجربی پژوهش

زارفار و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند شرکت‌های دارای روابط سیاسی، از اقلام تعهدی اختیاری بالاتری نسبت به شرکت‌های فاقد روابط سیاسی برخوردار هستند. همچنین، روابط سیاسی شرکت‌ها سبب تضعیف رابطه مثبت ارائه خدمات غیرحسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری شده است. احمد و همکاران (۲۰۲۲) دریافتند شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی، بیشتر درگیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی هستند و کمتر در مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی مشارکت دارند. این شرکت‌ها با تهدید کمتری برای اجرای الزامی مقررات بورس و استفاده از انعطاف‌پذیری برای افزایش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و کاهش مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی که به طور بالقوه مخرب ارزش است، مواجه هستند. خلیل و همکاران (۲۰۲۲) دریافتند روابط سیاسی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی رابطه منفی دارد. به علاوه، این رابطه در شرکت‌های با راهبری شرکتی بهتر و شرکت‌هایی که توسط حسابرس بزرگ حسابرسی می‌شوند، آشکارتر است. سونگ و همکاران (۲۰۲۲) دریافتند دستیابی به روابط سیاسی در شرکت‌ها نماد بروز مشکلات نمایندگی است. بلیترو و همکاران (۲۰۲۲) دریافتند هرچند شرکت‌های دارای روابط سیاسی، گزارشگری بهتری نسبت به شرکت‌های دیگر در شرایط خوب اقتصادی دارند، اما تأثیر روابط سیاسی بر دستکاری گزارشگری اطلاعات به برجسته بودن سیاسی بستگی دارد. اگر برجستگی سیاسی کم باشد، شرکت‌های با روابط سیاسی درجه بالاتری از دستکاری نسبت به شرکت‌های دیگر دارند. مونوز مندوزا و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند شرکت‌ها از اقلام تعهدی اختیاری مثبت برای پنهان کردن هزینه‌های نمایندگی واقعی و اجتناب از نظارت سهامداران استفاده می‌کنند، اما اقلام تعهدی اختیاری منفی راه‌هایی برای سلب مالکیت و افزایش هزینه نمایندگی هستند. به علاوه، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ضمن کاهش هزینه‌های نمایندگی، توانایی کاهش اثرات مدیریت سود بر هزینه‌های نمایندگی را دارد. مان (۲۰۲۱) نشان داد رابطه مثبتی بین هزینه‌های نمایندگی و مدیریت سود وجود دارد و این موضوع تأییدی بر فرصت‌طلبانه بودن مدیریت سود است. الهاداب و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند شرکت‌های دارای روابط سیاسی از سطح بالاتر مدیریت سود در مقایسه با سایر شرکت‌ها برخوردارند. اوینگ و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند در شرکت‌ها با هزینه‌های نمایندگی بالا، گزارشگری یکپارچه به عنوان مکانیزمی از افشای اطلاعات رابطه مثبتی با کیفیت سود در گزارشگری مالی دارد. هو و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند تضادهای نمایندگی بین سهامداران کنترل کننده و سهامداران اقلیت بر اساس تونل زنی سهامداران کنترل کننده در شرکت‌های دارای

روابط سیاسی از زمان اجرای الزامات دولت مرکزی به طور قابل توجهی کاهش یافته است. عبدالوهاب و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند بین ارتباطات سیاسی مدیران و کیفیت سود شرکت‌ها رابطه منفی وجود دارد. وانگ و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند سطح مدیریت سود در شرکت‌های دارای روابط سیاسی بیشتر از سایر شرکت‌ها است. پراتیوی و سیرگار (۲۰۱۹) دریافتند روابط سیاسی تأثیر مثبت بر مدیریت سود اقلام تعهدی و تأثیر منفی بر مدیریت سود فعالیت‌های واقعی دارد. بهانداری و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند شرکت‌های با روابط سیاسی از کیفیت گزارشگری مالی بالاتر، اقلام تعهدی کمتر، ارائه نادرست کمتر سود و ضعف کمتر کنترل‌های داخلی برخوردار هستند. پوترا و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند شرکت‌های فعال در کشورهای با هزینه نمایندگی کم از کیفیت سود پایین برخوردارند؛ این موضوع دال بر کارا بودن مدیریت سود است. هشمی و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند شرکت‌های با روابط سیاسی از کیفیت سود پایین‌تر برخوردارند. وانگ و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند روابط سیاسی سبب می‌شود اثر منفی توانایی مدیریتی بر گزارشگری مالی متقلبانه تضعیف شود. لیو و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند رابطه معکوس یو شکل بین روابط سیاسی و شفافیت اطلاعات شرکت‌ها وجود دارد. آریفور و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند شرکت‌های با روابط سیاسی دارای هزینه نمایندگی بالاتری هستند. همچنین حضور حسابرس بزرگ سبب تعدیل این ارتباط می‌شود. راتناواتی و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند تضادهای نمایندگی نوع اول (ابعاد مالکیت مدیریتی و نهادی) و تضادهای نمایندگی نوع دوم (ابعاد حقوق کنترلی و حقوق جریان‌های نقدی) با مدیریت سود رابطه دارند. یینگ (۲۰۱۶) نشان داد بهبود افشای اطلاعات کنترل داخلی می‌تواند هزینه نمایندگی را کاهش داده و مدیریت سود را تقلیل دهد. هسو و لیو (۲۰۱۶) دریافتند نوع ساختار سازمانی و تضاد نمایندگی ناشی از اختلاف منافع سهامداران کنترلی و غیرکنترلی سبب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش کیفیت سود می‌شود. چی و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند مدیران شرکت‌های دارای روابط سیاسی، سطح بالاتری از مدیریت سود اعمال کرده‌اند. گدحامی و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند شرکت‌های با روابط سیاسی برخوردار از حسابرسان بزرگ، مدیریت سود کمتر و شفافیت اطلاعاتی بالاتری دارند. سریندهی و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند شرکت‌های دارای روابط سیاسی، کمتر با حسابرسان بزرگ شناخته شده و با کیفیت قرارداد حسابرسی امضاء کرده و نسبت به شرکت‌های بدون روابط سیاسی، زبان را به موقع شناسائی نکرده، اقلام تعهدی اختیاری بیشتر و شفافیت کمتری دارند. چانی و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌های با روابط سیاسی کمتر از شرکت‌های بدون روابط سیاسی است. همچنین ایجاد روابط با کانون قوی سیاسی همبستگی کمتر با کیفیت اقلام تعهدی دارد. چوانگ و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند در شرکت‌های دارای کیفیت سود بالاتر، هزینه‌های نمایندگی ناشی از کنترل سهامداران و هزینه‌های نمایندگی ناشی از اختیار مدیریت پایین‌تر است. فاسیو (۲۰۰۶) نشان داد در بازارهای با محیط قانونی ضعیف، مدیران جهت دستیابی به منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت از روابط سیاسی بهره می‌برند و شرکت‌های با روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی بالاتری دارند. سعیدی (۱۴۰۲) نشان داد ارتباطات سیاسی سبب افزایش شدت رابطه بین توانایی مدیریت و مدیریت سود می‌شود. حسنی (۱۴۰۲) نشان داد شرکت‌های دارای روابط سیاسی از هزینه‌های نمایندگی بالاتری برخوردارند. از طرفی، حسابرسان مستقل با تمرکز بر حفظ شهرت حرفه‌ای، استقلال حسابرسی و بهبود کارایی و اثربخشی حسابرسی از عناصر کاهنده تضادهای نمایندگی در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی هستند. عطاراسدی و همکاران (۱۴۰۱) دریافتند ارتباطات سیاسی و کیفیت حسابرسی اثر تعدیل‌کنندگی منفی در ارتباط مثبت تقلب با مدیریت سود دارند. همکاران (۱۴۰۱) دریافتند شاخص گزارشگری مالی تحت‌وب باعث کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران، کاهش مدیریت سود و کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود. خواجوی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند ارتباطات سیاسی بر وقوع و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌عنوان سنجه‌های پایین بودن کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت دارند. باغومیان و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند بین ناخوانایی گزارشگری مالی و هزینه‌های نمایندگی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، این رابطه با حضور حسابرس متخصص در صنعت به صورت منفی تعدیل می‌شود. نوروزی و همکاران (۱۴۰۰) دریافتند ناخوانایی گزارشگری مالی

سبب کاهش هزینه نمایندگی می‌شود. به علاوه، حاکمیت شرکتی این رابطه را تشدید می‌کند. نعمت‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰) دریافتند ارتباطات سیاسی اثر منفی بر کیفیت گزارشگری مالی دارند. حسنی و صالحی (۱۳۹۹) دریافتند حسابرسان با تمرکز بر انگیزه شهرت از تأثیر کاهنده، اما مالکان-مدیران دارای روابط سیاسی با تمرکز بر انگیزه منافع سیاسی از تأثیر افزایشده بر هزینه نمایندگی برخوردارند. نظری‌پور و مقصودپور (۱۳۹۹) دریافتند توانایی مدیریت در کاهش گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌ها با ارتباطات سیاسی ضعیف‌تر از شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی است. نوروزی و همکاران (۱۳۹۹) دریافتند خوانایی گزارشگری مالی موجب کاهش هزینه نمایندگی می‌شود؛ به علاوه، توانایی مدیریت سبب تضعیف این رابطه می‌شود. رضازاده و محمدی (۱۳۹۸) دریافتند ارتباطات سیاسی اثری بر گزارشگری مالی متقلبانه ندارد؛ همچنین، اثربخشی توانایی مدیریتی در کاهش گزارش مالی متقلبانه تحت تأثیر ارتباطات سیاسی شرکت‌ها با دولت قرار ندارد. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه‌های نمایندگی مثبت است؛ و کیفیت حسابرسی اثر منفی بر این رابطه دارد. جنت‌مکان و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند مالکیت نهادی وابسته به دولت در شرکت‌ها ارتباط منفی با هزینه نمایندگی دارد؛ اما نتایج حاکی از عدم ارتباط مالکیت دولتی شرکت‌ها و هزینه نمایندگی است. شاه‌صاحبی و دارابی (۱۳۹۷) دریافتند روابط سیاسی شرکت سبب افزایش هزینه نمایندگی می‌شود و اندازه مؤسسه حسابرسی سبب کاهش این اثر می‌شود. فغانی و پهلوان (۱۳۹۷) دریافتند بین کیفیت کنترل‌های داخلی و مدیریت سود در شرایط عدم وجود هزینه‌های نمایندگی رابطه منفی وجود دارد؛ این ارتباط در شرایط وجود هزینه‌های نمایندگی تشدید می‌شود. ولی‌زاده لاریجانی و همکاران (۱۳۹۷) رابطه‌ای بین مدیریت سود و افشای کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی با هزینه‌های نمایندگی مشاهده نکردند. کامیابی و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند کیفیت اقلام تعهدی تأثیر منفی بر هزینه نمایندگی دارد؛ به علاوه، مالکیت نهادی، مدیریتی و شرکتی اثر مثبت بر این رابطه دارند. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند روابط سیاسی و مالکیت دولتی اثر منفی بر کیفیت گزارشگری مالی دارند. رضایی و ویسی‌حصار (۱۳۹۳) دریافتند در شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت که مالکیت متمرکز دارند، کیفیت سود پایین‌تر است. نیکومرام و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند بین نشانه مدیریت سیاسی و مدیریت سود رابطه مثبتی وجود دارد. نمازی و رضایی (۱۳۹۲) دریافتند بین کیفیت اقلام تعهدی، کیفیت اقلام تعهدی اصلاح شده بر اساس عملکرد و مربوط بودن اطلاعات مالی با هزینه‌های نمایندگی رابطه منفی وجود دارد. دیدار و همکاران (۱۳۹۱) دریافتند با افزایش مشکلات نمایندگی، کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. مجتهدزاده و اثنی‌عشری (۱۳۹۱) دریافتند هزینه‌های نمایندگی بنگاه‌های سابقاً دولتی بعد خصوصی‌سازی افزایش یافته است؛ همچنین بعد از خصوصی‌سازی، تغییر ساختار مالکیت و هیأت مدیره، هزینه نمایندگی را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار داده است. تقوی همکاران (۱۳۸۹) دریافتند رابطه مثبتی بین هزینه نمایندگی و مدیریت سود وجود دارد و مدیران از مدیریت سود به عنوان ابزاری فرصت‌طلبانه جهت افزایش منافع شخصی استفاده کرده‌اند.

توسعه فرضیه‌های پژوهش

طبق نظریه نمایندگی، مشکلات ناشی از تلاش مدیران در دسترسی به منافع شخصی سبب بروز تضاد نمایندگی می‌شود و ضعف در محیط قانونی بازارها سبب افزایش تلاش مدیران در دستیابی به منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت از طریق برخورداری از روابط سیاسی شده است (فاسیو، ۲۰۰۶) و بهره بردن از روابط سیاسی به واسطه واگرایی منافع سبب افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود (آریفور و همکاران، ۲۰۱۶). از طرفی، ممکن است دارا بودن روابط سیاسی به واسطه مزایای ناشی از آن جهت همگرایی منافع سبب کاهش هزینه نمایندگی شود. سهولت تأمین منابع مالی، کاهش هزینه سرمایه، کاهش ریسک، افزایش قدرت بازار، بهبود عملکرد و افزایش ارزش سهام از منافع روابط سیاسی هستند و در مقابل کاهش شفافیت و کیفیت اطلاعات مالی، ناکارآمدی و صلاحیت پایین مدیران، کاهش عملکرد، رانتهای اقتصادی، کاهش

فرصت رشد، افزایش هزینه بدهی و سرمایه، کاهش کارایی، اجتناب مالیاتی، دستیابی به منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت و افزایش هزینه نمایندگی از مخارج روابط سیاسی هستند (فاسیو و همکاران، ۲۰۰۶؛ فان و همکاران، ۲۰۰۷؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۰۸؛ فاسیو، ۲۰۱۰؛ براگیون و مور، ۲۰۱۳؛ برتراند و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به شواهد متناقض در حوزه منافع و مخارج روابط سیاسی و ابهام در نحوه ارتباط آن با هزینه‌های نمایندگی، با این حال، شواهدی نشان داده‌اند برخورداری از روابط سیاسی سبب افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود (فاسیو، ۲۰۰۶؛ آریفور و همکاران، ۲۰۱۶؛ سونگ و همکاران، ۲۰۲۲) است. از این رو، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر است:

- فرضیه اول: روابط سیاسی مالکیت و مدیریت بر سطح هزینه‌های نمایندگی تأثیر دارد.

با در نظر گرفتن بحث تضاد منافع، مدیران می‌توانند از انگیزه لازم برای مدیریت سود جهت حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند (باس و فیلیپ، ۲۰۱۶). طبق برخی مطالعات، وجود تضادهای نمایندگی سبب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش مدیریت سود و کاهش کیفیت سود می‌شود (راتناواتی و همکاران، ۲۰۱۶؛ چی و همکاران، ۲۰۱۶؛ هسو و لیو، ۲۰۱۶) و از این رو رفتار فرصت‌طلبانه مدیران جهت مدیریت سود با وقوع هزینه‌های نمایندگی همراستا است (بینگ، ۲۰۱۶؛ مان، ۲۰۲۱؛ مونوز مندوزا و همکاران، ۲۰۲۱). از طرفی، به خاطر این که مدیران ممکن است مدیریت سود را جهت منافع شخصی انجام ندهند، شرکت‌های با هزینه‌های نمایندگی بالا از مدیریت سود پایین برخوردار باشند (جیراپورن و همکاران، ۲۰۰۸؛ پوترا و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به وجود شواهد متفاوت در زمینه پیامدهای مدیریت سود از بعد هدف به شکل فرصت‌طلبانه و کارآ و ارتباط آن با هزینه‌های نمایندگی، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر است:

- فرضیه دوم: تحریف در گزارشگری سود بر سطح هزینه‌های نمایندگی تأثیر دارد.

به علاوه، برهم کنش تحریف گزارشگری سود و روابط سیاسی این امکان را به وجود می‌آورد که مدیران تصمیماتی همراه با سوءگیری اتخاذ کنند. هرچند برخی مطالعات حاکی از کیفیت گزارشگری مالی بالاتر، اقلام تعهدی کمتر و احتمال کمتر ارائه نادرست سود در شرکت‌های با روابط سیاسی است (بهانداری و همکاران، ۲۰۱۸؛ خلیل و همکاران، ۲۰۲۲)، با این حال در مطالعاتی، رابطه مثبت روابط سیاسی با ضعف گزارشگری مالی، مدیریت سود و تحریف در گزارش سود مشاهده شده است (پراتیوی و سیرگار، ۲۰۱۹؛ هشمی و همکاران، ۲۰۱۸؛ عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۲۰؛ وانگ و همکاران، ۲۰۲۰). این موضوع در نهایت سبب تشدید تضادهای نمایندگی می‌شود؛ طبق این استدلال، فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر است:

- فرضیه سوم: تحریف در گزارشگری سود شرکت‌های دارای روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی تأثیر دارد.

علیرغم وجود شواهدی در مورد ارتباط بین روابط سیاسی با هزینه‌های نمایندگی، در عین حال شواهد تجربی متناقضی در این حوزه مشاهده شده است. به نظر می‌رسد اشتراک نظری مطالعات به وجود تفاوت در سطح هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های فاقد روابط سیاسی، اشاره دارند (فاسیو، ۲۰۰۶؛ آریفور و همکاران، ۲۰۱۶؛ هو و همکاران، ۲۰۲۰؛ سونگ و همکاران، ۲۰۲۲). طبق این استدلال، فرضیه چهارم پژوهش به شرح زیر است:

- فرضیه چهارم: بین سطح هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های فاقد روابط سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد.

به علاوه، علیرغم وجود شواهدی در مورد ارتباط بین روابط سیاسی با تحریف در گزارشگری مالی، در عین حال شواهد تجربی متناقضی در این زمینه قابل مشاهده است. به طور خاص، بیشتر مطالعات در مورد وجود تفاوت در میزان تحریف گزارشگری مالی شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی نسبت به شرکت‌های فاقد روابط سیاسی اشتراک دارند (چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ سربیندهی و همکاران، ۲۰۱۲؛ گدحامی و همکاران، ۲۰۱۴؛ چی و همکاران، ۲۰۱۶؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۷؛ هشمی و همکاران، ۲۰۱۸؛ بهانداری و همکاران، ۲۰۱۸؛ پراتیوی و سیرگار، ۲۰۱۹؛ وانگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ عبدالوهاب و

همکاران، ۲۰۲۰؛ الهاداب و همکاران، ۲۰۲۱؛ خلیل و همکاران، ۲۰۲۲؛ بلیترو و همکاران، ۲۰۲۲). طبق این استدلال، فرضیه پنجم پژوهش به شرح زیر است:

– فرضیه پنجم: بین میزان تحریف گزارشگری مالی در شرکت های برخوردار از روابط سیاسی در مقایسه با شرکت های فاقد روابط سیاسی اختلاف معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر نوعی پژوهش کاربردی، توصیفی و پس رویدادی است. تحلیل روابط پژوهش مبتنی بر تحلیل رگرسیون است. از روش کتابخانه ای به منظور گردآوری اطلاعات مبانی نظری و پیشینه ها و از روش اسنادکاو برای گردآوری داده ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ است. شرایط غربال شرکت ها شامل درج در فهرست بورس قبل از شروع پژوهش، فعال بودن از ابتدا تا انتهای دوره پژوهش و عدم ورود و خروج از بورس طی دوره پژوهش؛ عدم تغییر سال مالی و عدم فعالیت شرکت ها در حوزه بانکی، بیمه، سرمایه گذاری و لیزینگ هستند. طبق این شرایط و دسترسی به داده ها، تعداد ۲۰۴ شرکت طی دوره ۱۰ ساله انتخاب شدند و تعداد ۲۰۴۰ مشاهده شرکت-سال بررسی شدند. داده ها از طریق گزارش های مالی حسابرسی شده، گزارش هیأت مدیره، گزارش حسابرس و سایر اطلاعات شرکت ها با بکارگیری نرم افزار ره آورد نوین و سایت ناشران کدال سازمان بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده اند. ساماندهی داده ها با استفاده از نرم افزار اکسل و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار ای ویوز انجام شده است. جهت آزمون فرضیه ها به استناد مطالعات مختلف پیشین از مدل های رگرسیون چندمتغیره زیر الگو گرفته شده و متغیرها گزینش شده اند. نحوه ارزیابی متغیرهای پژوهش در نگاره (۱) بیان شده اند.

رابطه (۱): فرضیه اول پژوهش

$$AC_{it} = \alpha + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 ASP_{it} + \beta_4 BEX_{it} + \beta_5 BLD_{it} + \beta_6 DEF_{it} + \beta_7 FCF_{it} + \beta_8 ICW_{it} + \beta_9 INV_{it} + \beta_{10} IOS_{it} + \beta_{11} LOS_{it} + \beta_{12} PRF_{it} + \beta_{13} SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۲): فرضیه دوم پژوهش

$$AC_{it} = \alpha + \beta_1 MS_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 ASP_{it} + \beta_4 BEX_{it} + \beta_5 BLD_{it} + \beta_6 DEF_{it} + \beta_7 FCF_{it} + \beta_8 ICW_{it} + \beta_9 INV_{it} + \beta_{10} IOS_{it} + \beta_{11} LOS_{it} + \beta_{12} PRF_{it} + \beta_{13} SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۳): فرضیه سوم پژوهش

$$AC_{it} = \alpha + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 MS_{it} + \beta_3 PC_{it} * MS_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 ASP_{it} + \beta_6 BEX_{it} + \beta_7 BLD_{it} + \beta_8 DEF_{it} + \beta_9 FCF_{it} + \beta_{10} ICW_{it} + \beta_{11} INV_{it} + \beta_{12} IOS_{it} + \beta_{13} LOS_{it} + \beta_{14} PRF_{it} + \beta_{15} SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

نگاره شماره (۱). متغیرهای پژوهش

نماد	شرح و نحوه اندازه گیری
$AC_{i,t}$	هزینه های نمایندگی؛ نسبت هزینه های عملیاتی به درآمدهای عملیاتی فروش (مکانیت و ویر، ۲۰۰۹).
$PC_{i,t}$	روابط سیاسی؛ وجود اعضای با ارتباطات سیاسی دولتی در ساختار هیات مدیره یا وجود مالکیت دولتی در ساختار مالکیت، کد یک و در غیر این صورت کد صفر. شرکت های دارای مدیران با روابط سیاسی پیامدهایی شبیه شرکت های با مالکیت دولتی در نقش سهامدار کنترلی دارند (کارنی و همکاران، ۲۰۲۰).
$MS_{i,t}$	تحریف در گزارشگری مالی؛ انحراف معیار قدرمطلق پسماندهای مدل دیچاو و همکاران (۱۹۹۵) بر اساس رگرسیون چرخشی ۵ ساله؛ طبق ان اقلام تعهدی تابعی از تفاوت تغییر درآمدها و دریافتی ها، و اموال، ماشین آلات و تجیزات همگن شده به دارایی اول دوره است.
$PC_{it} * MS_{it}$	تحریف در گزارشگری مالی شرکت های با روابط سیاسی؛ شاخص حاصل ضربی و برهم کنشی
$AGE_{i,t}$	عمر معاملاتی؛ لگاریتم طبیعی سال های سپری شده از پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار
$ASP_{i,t}$	تخصص صنعت حسابرس؛ حسابرسی توسط حسابرسان متخصص طبق رویکرد سهم بازار، کد یک و در غیر این صورت کد صفر. اگر سهم بازار حسابرس (نسبت دارایی های شرکت های حسابرسی شده توسط حسابرس خاص به کل دارایی های شرکت های موجود در صنعت) بیش از یک تقسیم بر تعداد شرکت های صنعت ضربدر ۱/۲ باشد، حسابرس متخصص صنعت محسوب می شود.
$BEX_{i,t}$	تخصص مالی هیات مدیره؛ نسبت تعداد اعضای دارای تخصص مالی و حسابداری به کل اعضای هیات مدیره
$BLD_{i,t}$	رهبری هیات مدیره؛ عهده داری رهبری هیات مدیره توسط مدیر عامل، کد یک و در غیر این صورت کد صفر
$DEF_{i,t}$	نسبت بدهی؛ نسبت ارزش دفتری بدهی ها به ارزش دفتری دارایی ها
$FCF_{i,t}$	جریان نقد آزاد شرکت؛ نسبت خالص جریان نقد آزاد شرکت به ارزش دفتری دارایی ها

ICW _{i,t}	ضعف کنترل‌های داخلی؛ وجود ضعف کنترل داخلی در گزارش حسابرس مستقل، کد یک و در غیر این صورت صفر
INV _{i,t}	سرمایه‌گذاری؛ نسبت خالص سرمایه‌گذاری جدید در دارایی‌های ثابت به ارزش دفتری دارایی‌ها
IOS _{i,t}	مالکیت نهادی؛ درصد سهام در اختیار سهامداران نهادی دارنده حداقل پنج درصد سهام منتشره
LOS _{i,t}	زیاندهی؛ اگر شرکت زیان گزارش نموده باشد، کد یک و در غیر این صورت کد صفر
PRF _{i,t}	سودآوری؛ نسبت سود عملیاتی به ارزش دفتری دارایی‌ها
SIZE _{i,t}	اندازه شرکت؛ لگاریتم طبیعی درآمدهای عملیاتی فروش

همچنین در راستای آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش از تحلیل واریانس و آزمون مقایسه‌ای دو گروه بر اساس دارا بودن یا نبودن روابط سیاسی در سطح هیأت مدیره یا مالکیت استفاده گردید و بر این اساس، سطوح هزینه‌های نمایندگی و میزان تحریف گزارشگری مالی در این گروه‌ها مقایسه شده‌اند.

$$\sigma AC_{i,t}^{PC_{i,t}=0} \neq \sigma AC_{i,t}^{PC_{i,t}=1}$$

رابطه (۴): فرضیه چهارم پژوهش

$$\sigma MS_{i,t}^{PC_{i,t}=0} \neq \sigma MS_{i,t}^{PC_{i,t}=1}$$

رابطه (۵): فرضیه پنجم پژوهش

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش در نگاره (۲) نشان دادند طبق شاخص هزینه‌های نمایندگی، هزینه‌های عملیاتی به طور میانگین ۸/۴۴ درصد درآمد عملیاتی فروش است. شاخص تحریف در گزارشگری مالی طبق انحراف معیار قدرمطلق ۵ ساله اقلام تعهدی اختیاری به طور میانگین ۷/۹۲ درصد دارایی‌های اول دوره است. عمر مشاهده‌ها به طور میانگین ۲/۸۹ واحد لگاریتم طبیعی سال‌های سپری شده از پذیرش شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار است. به‌طور میانگین حدود ۳۵/۴۵ درصد اعضای هیأت مدیره تخصص مالی دارند. بدهی‌ها به طور میانگین ۶۰/۲۶ درصد دارایی‌ها است. جریان نقد آزاد به طور میانگین ۱۲/۵۵ درصد دارایی‌ها است. سرمایه‌گذاری جدید به طور میانگین ۳/۵۶ درصد دارایی‌ها است. به طور میانگین ۷۰/۴۰ درصد سهام مشاهده‌ها در مالکیت سهامداران نهادی است. سود عملیاتی به طور میانگین ۱۱/۷۲ درصد دارایی‌ها است. اندازه مشاهده‌ها به طور میانگین ۲۷/۷۹ واحد لگاریتم طبیعی درآمد فروش است.

نگاره (۲). نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه	چولگی	کشیدگی	مشاهده‌ها
AC _{i,t}	۰/۰۸۴۴	۰/۰۶۶۹	۰/۱۱۲۱	۲/۹۸۹۴	۰/۰۰۴۹	۱۷/۹۰۴	۴۴۶/۵۴	۲۰۴۰
MS _{i,t}	۰/۰۷۹۲	۰/۰۷۲۹	۰/۰۴۰۹	-/۳۲۸۲	۰/۰۰۹۷	۱/۴۲۶۶	۷/۱۲۸۳	۲۰۴۰
AGE _{i,t}	۲/۸۸۷۵	۲/۸۹۰۴	۰/۴۳۱۸	۳/۹۱۲۰	۱/۶۰۹۴	۰/۲۷۷۰	۲/۸۴۹۲	۲۰۴۰
BEX _{i,t}	۰/۳۵۴۵	۰/۴۰۰۰	۰/۰۹۲۳	۰/۴۰۰۰	۰/۰۰۰۰	-۲/۰۱۷۵	۶/۵۲۴۷	۲۰۴۰
DEF _{i,t}	۰/۶۰۲۶	۰/۶۰۶۷	۰/۱۹۹۸	۲/۰۷۷۵	۰/۰۰۹۰۲	۰/۳۸۵۷	۵/۰۱۱۱	۲۰۴۰
FCF _{i,t}	۰/۱۲۵۵	۰/۱۱۸۱	۰/۱۴۷۱	۰/۸۸۵۸	-۱/۱۳۶۳	-۰/۳۶۲۷	۱۰/۶۲۱	۲۰۴۰
INV _{i,t}	۰/۰۳۵۶	۰/۰۲۳۴	۰/۰۴۰۴	۰/۴۳۰۶	۰/۰۰۰۰	۲/۹۱۵۷	۱۷/۲۵۱	۲۰۴۰
IOS _{i,t}	۰/۷۰۴۰	۰/۷۲۸۲	۰/۱۹۰۶	۰/۹۹۸۱	۰/۰۰۰۰	-۱/۲۶۹۷	۵/۳۳۱۵	۲۰۴۰
PRF _{i,t}	۰/۱۱۷۲	۰/۰۹۵۵	۰/۱۳۰۳	۰/۶۳۹۳	-۰/۳۲۶۸	-۰/۵۴۳۵	۴/۱۵۸۴	۲۰۴۰
SIZE _{i,t}	۲۷/۷۸۹	۲۷/۶۶۷	۱/۵۷۵۹	۳۳/۲۹۲	۲۲/۸۲۳	-۰/۵۲۸۸	۳/۹۷۰۳	۲۰۴۰

نتایج بررسی فراوانی مشاهده‌های متغیرهای گسسته دو ارزشی پژوهش مندرج در نگاره (۳) نشان داد حدود ۶۶/۵۷ درصد مشاهده‌ها دارای روابط سیاسی هستند. در ۴۱/۹۱ درصد مشاهده‌ها حضور حسابرس متخصص صنعت مشهود است و این حسابرسان سهم بازار قابل قیاسی نسبت به سایرین در صنعت مورد بررسی داشته‌اند. در ۲۱/۲۳ درصد مشاهده‌ها، رهبری هیأت مدیره در سمت رئیس یا نایب رئیس به عهده مدیر عامل است و بحث دوگانگی وظایف مطرح است. در ۳۶/۵۲ درصد مشاهده‌ها، ضعف در کنترل‌های داخلی گزارش شده است. به علاوه، ۱۵/۲۰ درصد مشاهده‌ها مشمول گزارش زیان بوده‌اند.

نگاره (۳). نتایج بررسی فراوانی متغیرهای گسسته پژوهش

متغیرها	کد صفر		کد یک		کل مشاهدهها	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
PC _{i,t}	۶۸۲	۳۳/۴۳	۱۳۵۸	۶۶/۵۷	۲۰۴۰	۱۰۰
ASP _{i,t}	۱۱۸۵	۵۸/۰۹	۸۵۵	۴۱/۹۱	۲۰۴۰	۱۰۰
BLD _{i,t}	۱۶۰۷	۷۸/۷۷	۴۳۳	۲۱/۲۳	۲۰۴۰	۱۰۰
ICW _{i,t}	۱۲۹۵	۶۳/۴۸	۷۴۵	۳۶/۵۲	۲۰۴۰	۱۰۰
LOS _{i,t}	۱۷۳۰	۸۴/۸۰	۳۱۰	۱۵/۲۰	۲۰۴۰	۱۰۰

همچنین نتایج بررسی متغیرهای پژوهش به تفکیک در شرکت‌های دارای روابط سیاسی و شرکت‌های فاقد روابط سیاسی در نگاره (۴) بیان شده‌اند:

نگاره (۴). نتایج بررسی متغیرهای پژوهش به تفکیک روابط سیاسی

متغیرها	فاقد روابط سیاسی PC _{i,t} = 0		دارای روابط سیاسی PC _{i,t} = 1		کل مشاهدهها	
	تعداد	مقدار	تعداد	مقدار	تعداد	مقدار
AC _{i,t}	۶۸۲	-۰/۰۷۸۲	۱۳۵۸	-۰/۰۹۶۶	۲۰۴۰	-۰/۰۸۴۴
MS _{i,t}	۶۸۲	-۰/۰۷۷۳	۱۳۵۸	-۰/۰۸۲۶	۲۰۴۰	-۰/۰۷۹۲
AGE _{i,t}	۶۸۲	۲/۹۶۷	۱۳۵۸	۲/۸۴۷	۲۰۴۰	۲/۸۸۷۵
ASP _{i,t}	۶۸۲	-۰/۲۹۳۳	۱۳۵۸	-۰/۴۸۲۳	۲۰۴۰	-۰/۴۱۹۱
BEX _{i,t}	۶۸۲	-۰/۳۳۳۲	۱۳۵۸	-۰/۳۶۵۱	۲۰۴۰	-۰/۳۵۴۵
BLD _{i,t}	۶۸۲	-۰/۲۰۵۳	۱۳۵۸	-۰/۲۱۵۸	۲۰۴۰	-۰/۲۱۲۳
DEF _{i,t}	۶۸۲	-۰/۵۷۹۶	۱۳۵۸	-۰/۶۱۴۲	۲۰۴۰	-۰/۶۰۲۶
FCF _{i,t}	۶۸۲	-۰/۱۱۷۵	۱۳۵۸	-۰/۱۲۹۵	۲۰۴۰	-۰/۱۲۵۵
ICW _{i,t}	۶۸۲	-۰/۴۱۹۳	۱۳۵۸	-۰/۳۳۸۰	۲۰۴۰	-۰/۳۶۵۲
INV _{i,t}	۶۸۲	-۰/۰۳۷۵	۱۳۵۸	-۰/۰۳۴۷	۲۰۴۰	-۰/۰۳۵۶
IOS _{i,t}	۶۸۲	-۰/۶۴۳۴	۱۳۵۸	-۰/۷۳۴۴	۲۰۴۰	-۰/۷۰۴۰
LOS _{i,t}	۶۸۲	-۰/۱۶۵۷	۱۳۵۸	-۰/۱۴۵۱	۲۰۴۰	-۰/۱۵۲۰
PRF _{i,t}	۶۸۲	-۰/۰۹۷۸	۱۳۵۸	-۰/۱۲۶۹	۲۰۴۰	-۰/۱۱۷۲
SIZE _{i,t}	۶۸۲	۲۷/۱۵۷	۱۳۵۸	۲۸/۱۰۶	۲۰۴۰	۲۷/۷۸۹

نتایج آزمون ارزیابی پایایی متغیرهای پیوسته پژوهش در نگاره (۵) نشان دادند طبق معناداری آماره‌های آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو، شواهد حاکی از ثبات میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس بین سال‌های مختلف است. از این رو، متغیرها در مقیاس سطح، پایا بوده و ریشه کاذب در آن‌ها وجود ندارد.

نگاره (۵). نتایج آزمون پایایی متغیرهای پیوسته پژوهش

متغیرها	آماره	معناداری	مشاهدهها
AC _{i,t}	-۳۰/۰۴۸	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰
MS _{i,t}	-۲۲/۱۱۸	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰
AGE _{i,t}	-۱۸/۵۰۱	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰
BEX _{i,t}	-۲۵/۴۱۵	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰
DEF _{i,t}	-۲۶/۱۹۶	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰
FCF _{i,t}	-۳۰/۲۰۷	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰
INV _{i,t}	-۲۵/۲۹۱	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰
IOS _{i,t}	-۵۹/۶۹۷	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰
PRF _{i,t}	-۴۸/۰۰۱	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰
SIZE _{i,t}	-۲۲/۲۳۵	-۰/۰۰۰	۲۰۴۰

نتایج آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش مندرج در نگاره (۶) نشان دادند طبق معناداری آماره تی ضرایب همبستگی زوجی در سطح خطای ۵ درصد، بین برخی متغیرها همبستگی معناداری وجود دارد؛ اما، ضرایب همبستگی متغیرها قوی نیستند و این موضوع به مفهوم عدم وجود شواهدی از مشکل همخطی بین متغیرها است. از جمله شواهد قابل ملاحظه آزمون می‌توان به وجود همبستگی مثبت معنادار بین هزینه‌های نمایندگی و تحریف گزارشگری مالی، همچنین همبستگی مثبت معنادار بین روابط سیاسی و تحریف در گزارشگری مالی اشاره نمود.

نگاره (۶). نتایج آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش

ضرایب معناداری	AC _{it}	PC _{it}	MS _{it}	AGE _{it}	ASP _{it}	BEX _{it}	BLD _{it}	DEF _{it}	FCF _{it}	ICW _{it}	INV _{it}	IOS _{it}	LOS _{it}	PRF _{it}	SIZE _{it}
AC _{it}	۱/۰۰۰۰														
PC _{it}	+۰/۰۸۲۶	۱/۰۰۰۰													
MS _{it}	+۰/۰۷۵۵	+۰/۰۴۷۲	۱/۰۰۰۰												
AGE _{it}	+۰/۰۶۴۶	-۰/۱۳۱۱	+۰/۰۷۹۵	۱/۰۰۰۰											
ASP _{it}	+۰/۰۸۷۳	+۰/۱۸۰۸	+۰/۰۵۳۷	+۰/۰۵۰۰	۱/۰۰۰۰										
BEX _{it}	+۰/۰۱۰۲	+۰/۱۶۳۷	-۰/۰۷۴۶	-۰/۰۶۸۲	+۰/۰۹۸۴	۱/۰۰۰۰									
BLD _{it}	+۰/۰۵۰۸	+۰/۰۱۲۱	+۰/۰۳۸۶	-۰/۰۳۸۸	-۰/۰۳۳۰	+۰/۱۱۴۱	۱/۰۰۰۰								
DEF _{it}	+۰/۰۳۰۴	+۰/۰۸۱۶	+۰/۰۵۱۴	+۰/۰۶۰۱	+۰/۰۵۱۱	-۰/۱۹۴۳	+۰/۰۸۵۱	۱/۰۰۰۰							
FCF _{it}	+۰/۰۷۰۷	+۰/۰۳۸۶	+۰/۰۵۶۶	-۰/۰۶۸۶	-۰/۰۹۳۳	+۰/۰۶۱۸	-۰/۰۱۱۴	-۰/۱۶۵۴	۱/۰۰۰۰						
ICW _{it}	+۰/۰۲۸	-۰/۰۹۸۷	+۰/۱۳۶۳	-۰/۰۸۰۹	-۰/۰۶۶۵	+۰/۱۱۲۴	+۰/۰۴۳۷	+۰/۱۰۵۳	-۰/۱۰۳۵	۱/۰۰۰۰					
INV _{it}	+۰/۰۴۵۰	-۰/۰۳۳۲	-۰/۰۴۰۸	-۰/۰۸۱۴	-۰/۰۳۳۶	+۰/۰۲۴۳	+۰/۰۵۲۰	-۰/۰۹۴۷	+۰/۲۹۳۸	-۰/۰۲۷۲	۱/۰۰۰۰				
IOS _{it}	+۰/۰۶۱۹	+۰/۲۱۹۲	+۰/۰۴۴۳	+۰/۰۴۳۳	+۰/۰۸۴۶	+۰/۰۳۷۰	+۰/۰۷۸۱	+۰/۱۵۳۷	+۰/۱۸۶۴	-۰/۱۳۵۶	+۰/۱۱۳۶	۱/۰۰۰۰			
LOS _{it}	+۰/۱۸۷۵	-۰/۰۳۷۱	+۰/۰۹۷۹	+۰/۰۵۵۵	-۰/۰۱۰۲۲	-۰/۱۱۷۷۴	+۰/۰۳۰۷	+۰/۳۰۹۳	-۰/۰۲۰۳۳	+۰/۱۲۱۳	-۰/۱۲۳۳	-۰/۱۱۵۵	۱/۰۰۰۰		
PRF _{it}	+۰/۳۳۱۶	+۰/۱۰۵۷	-۰/۰۳۳۷	-۰/۰۷۹۲	+۰/۱۶۴۱	+۰/۱۹۱۱	-۰/۰۷۶۵	-۰/۰۴۰۰۳	+۰/۴۱۳۳	-۰/۰۲۱۳۶	+۰/۱۷۳۹	+۰/۱۱۵۵	-۰/۵۰۶۱	۱/۰۰۰۰	
SIZE _{it}	+۰/۲۸۰۶	+۰/۲۸۳۹	-۰/۰۳۳۸	-۰/۰۸۹۹	+۰/۰۴۰۴	-۰/۰۰۷۱	+۰/۰۲۲۳	+۰/۱۰۰۰۵	+۰/۲۲۳۴	+۰/۰۰۵۱	+۰/۰۲۵۷	+۰/۱۳۶۲	-۰/۱۶۱۲	+۰/۳۷۸۷	۱/۰۰۰۰

نتایج آزمون مدل های رگرسیون پژوهش مندرج در نگاره های (۷)، (۸) و (۹) نشان دادند آماره های اف لیمر در آزمون چاو بیانگر مناسب تر بودن استفاده از رویکرد داده های ترکیبی است. آماره های کای دو در آزمون هاسمن بیانگر مناسب تر بودن استفاده از روش اثرات ثابت است. آماره های اف در آزمون وایت بیانگر ناهمسانی واریانس پسماندها و لزوم استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته است. آماره های فیشر حاکی از وجود روابط خطی در مدل ها است. آماره های دورین-واتسون بیانگر عدم وجود مشکل خودهمبستگی پسماندها است. عامل تورم واریانس بیانگر عدم وجود مشکل همخطی بین متغیرها است. ضرایب تعیین تعدیل شده حاکی از توان مناسب متغیرهای توضیحی درپیش بینی هزینه های نمایندگی است. نتایج آزمون مدل رگرسیون مربوط به فرضیه اول پژوهش مندرج در نگاره (۷) نشان دادند بین روابط سیاسی و هزینه های نمایندگی ارتباط معنادار مثبتی برقرار است. این امر شواهدی در تأیید فرضیه اول پژوهش ارائه داده است که طبق آن در مشاهده های دارای روابط سیاسی، سطح بالاتری از هزینه های نمایندگی قابل انتظار است؛ در حالی که در مشاهده های فاقد روابط سیاسی، سطح هزینه های نمایندگی کاهش یافته است. تفسیر آن این است که دارا بودن روابط سیاسی پیامدهایی دارد و از آسیب های زیان بار آن، افزایش تضادهای نمایندگی است و این موضوع می تواند به عنوان مخارج روابط سیاسی تلقی شود که نتیجه آن افزایش تضاد منافع بین مدیران با سهامداران و سایر گروه های ذی نفع است.

نگاره (۷): نتایج آزمون نهایی مدل رگرسیون فرضیه اول پژوهش

متغیر وابسته: $AC_{i,t}$					
متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	-۰/۲۹۴۳	۰/۰۵۱۳	۵/۷۳۱۳	-۰/۰۰۰۰	-
$PC_{i,t}$	-۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۱۱	۳/۳۸۹۸	-۰/۰۰۰۰	۱/۲۰۸۲
$AGE_{i,t}$	-۰/۰۰۷۷	۰/۰۰۱۴	۵/۳۷۸۱	-۰/۰۰۰۰	۱/۰۶۸۵
$ASP_{i,t}$	-۰/۰۰۷۶	۰/۰۰۲۰	-۳/۷۷۸۳	-۰/۰۰۰۰	۱/۲۳۰۱
$BEX_{i,t}$	-۰/۰۰۸۱	۰/۰۰۵۴	۱/۴۹۵۳	-۰/۱۳۵۰	۱/۱۳۰۹
$BLD_{i,t}$	-۰/۰۰۲۵	۰/۰۰۰۷	۳/۶۸۵۸	-۰/۰۰۰۰	۱/۰۳۹۳
$DEF_{i,t}$	-۰/۰۰۵۶	۰/۰۰۶۰	-۰/۹۳۴۴	-۰/۳۵۰۲	۱/۴۱۷۵
$FCF_{i,t}$	-۰/۰۱۶۴	۰/۰۰۶۵	۲/۵۰۳۹	-۰/۰۱۲۴	۱/۳۲۸۱
$ICW_{i,t}$	-۰/۰۰۲۷	۰/۰۰۱۲	۲/۳۱۴۷	-۰/۰۲۰۷	۱/۰۹۹۶
$INV_{i,t}$	-۰/۰۳۳۳	۰/۰۰۸۷	۳/۶۹۷۱	-۰/۰۰۰۰	۱/۱۳۲۷
$IOS_{i,t}$	-۰/۰۰۹۷	۰/۰۰۴۳	-۲/۲۶۸۷	-۰/۰۲۳۴	۱/۲۰۷۲
$LOS_{i,t}$	-۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۲۱	۱/۷۰۰۹	-۰/۰۸۹۱	۱/۳۹۹۴
$PRF_{i,t}$	-۰/۰۸۸۵	۰/۰۱۶۴	-۵/۳۹۷۸	-۰/۰۰۰۰	۱/۸۷۶۸
$SIZE_{i,t}$	-۰/۰۰۸۱	۰/۰۰۲۰	-۴/۰۴۵۹	-۰/۰۰۰۰	۱/۴۶۲۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۲۱۷		آماره دورین-واتسون	۲/۰۷۴۸	
آماره فیشر (روابط خطی)	۲۵/۴۸۳		احتمال آماره فیشر	-۰/۰۰۰۰	
آماره اف لیمر چاو (ترکیب پذیری)	۲۲/۲۴۹		احتمال آماره اف لیمر	-۰/۰۰۰۰	
آماره کای دو هاسمن (اثرپذیری)	۶۰/۵۹۹		احتمال آماره کای دو	-۰/۰۰۰۰	
آماره اف وایت (ناهمسانی واریانس ها)	۶/۱۵۳۸		احتمال آماره اف	-۰/۰۰۰۰	

نتایج آزمون مدل رگرسیون مربوط به فرضیه دوم پژوهش مندرج در نگاره (۸) نشان دادند بین تحریف در گزارشگری مالی از طریق مدیریت سود و هزینه های نمایندگی ارتباط معنادار مثبتی برقرار است. این امر شواهدی در تأیید فرضیه دوم پژوهش ارائه داده است که طبق آن در مشاهده هایی که مدیران از طریق اعمال نظر در گزارش اقدام به تحریف سود نموده اند، سطح بالاتری از هزینه های نمایندگی قابل انتظار است؛ در حالی که با کاهش مدیریت سود و فروکش شدن تمایل مدیران به ایجاد تحریف در گزارشگری مالی، سطح هزینه های نمایندگی کاهش یافته است. تفسیر آن این است که تمایل مدیران به انجام تحریف در گزارشگری مالی سبب آسیب هایی از جمله افزایش هزینه های نمایندگی می شود و این موضوع می تواند به عنوان رفتارهای فرصت طلبانه مدیران تلقی شود که نتیجه آن افزایش تضاد منافع مدیران با سهامداران و سایر گروه های ذی نفع است.

نگاره (۸): نتایج آزمون نهایی مدل رگرسیون فرضیه دوم پژوهش

متغیر وابسته: $AC_{i,t}$					
متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	-۰/۳۹۵۶	۰/۰۰۴۹	۶/۰۳۳۹	۰/۰۰۰۰	-
$MS_{i,t}$	-۰/۰۵۴۹	۰/۰۲۰۳	۲/۶۹۹۲	۰/۰۰۷۰	۱/۰۵۲۰
$AGE_{i,t}$	-۰/۰۰۷۹	۰/۰۰۱۹	۴/۱۹۰۴	۰/۰۰۰۰	۱/۰۶۹۲
$ASP_{i,t}$	-۰/۰۰۷۵	۰/۰۰۲۲	-۳/۴۲۲۱	۰/۰۰۰۶	۱/۲۳۷۸
$BEX_{i,t}$	-۰/۱۰۳۵	۰/۰۵۶۱	۱/۸۴۶۷	۰/۰۶۴۹	۱/۰۹۸۸
$BLD_{i,t}$	-۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۰۹	۲/۴۸۵۹	۰/۰۱۳۰	۱/۰۳۸۲
$DEF_{i,t}$	-۰/۰۰۶۷	۰/۰۰۶۳	۱/۰۶۲۱	-۰/۲۸۸۳	۱/۴۱۵۵
$FCF_{i,t}$	-۰/۰۱۴۶	۰/۰۰۷۲	۲/۰۲۸۴	۰/۰۴۲۷	۱/۳۲۹۸
$ICW_{i,t}$	-۰/۰۰۲۷	۰/۰۰۱۱	۲/۴۶۸۸	-۰/۰۱۳۶	۱/۱۱۹۹
$INV_{i,t}$	-۰/۰۲۳۹	۰/۰۰۷۵	۳/۱۶۹۹	۰/۰۰۱۵	۱/۱۲۴۶
$IOS_{i,t}$	-۰/۰۰۹۸	۰/۰۰۴۲	-۲/۳۳۱۵	-۰/۰۱۹۸	۱/۱۶۵۶
$LOS_{i,t}$	-۰/۰۰۳۲	۰/۰۰۱۹	۱/۶۶۱۵	۰/۰۰۹۶۸	۱/۴۰۵۶
$PRF_{i,t}$	-۰/۰۰۸۴۷	۰/۰۱۶۷	-۵/۰۷۵۵	-۰/۰۰۰۰	۱/۸۸۳۲
$SIZE_{i,t}$	-۰/۰۰۸۳	۰/۰۰۱۹	-۴/۱۹۹۳	۰/۰۰۰۰	۱/۳۸۵۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۱۸۲	آماره دوربین - واتسون	۲/۰۶۶۷	۰/۰۰۰۰	
آماره فیشتر (روابط خطی)	۲۵/۰۵۶	احتمال آماره فیشتر	۰/۰۰۰۰		
آماره اف لیمر چاو (ترکیب پذیری)	۲۲/۳۴۳	احتمال آماره اف لیمر	۰/۰۰۰۰		
آماره کای دو هاسمن (اثرپذیری)	۵۹/۵۷۳	احتمال آماره کای دو	۰/۰۰۰۰		
آماره اف وایت (ناهمسانی واریانسها)	۷/۹۶۳۲	احتمال آماره اف	۰/۰۰۰۰		

نتایج آزمون مدل رگرسیون مندرج در نگاره (۹) نشان دادند وجود روابط سیاسی نقش معنی دار مثبتی در تقویت شدت ارتباط مثبت بین تحریف در گزارشگری سود و هزینه‌های نمایندگی دارد. این امر شواهدی در تأیید فرضیه سوم پژوهش ارائه کرد که طبق آن در مشاهده‌هایی که با دارا بودن روابط سیاسی، مدیران با اعمال نظر در گزارش اقدام به مدیریت و تحریف سود کرده‌اند، سطح بالاتری از هزینه‌های نمایندگی وجود دارد؛ این موضوع سبب تشدید هزینه‌های نمایندگی شده و به افزایش سطح تضاد منافع منجر می‌شود.

نگاره (۹): نتایج آزمون نهایی مدل رگرسیون فرضیه سوم پژوهش

متغیر وابسته: $AC_{i,t}$					
متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	-۰/۲۸۶۶	۰/۰۴۷۶	۶/۰۱۸۶	۰/۰۰۰۰	-
$PC_{i,t}$	-۰/۰۰۴۴	۰/۰۰۰۹	۴/۹۶۷۱	۰/۰۰۰۰	۲/۷۲۵۶
$MS_{i,t}$	-۰/۰۶۸۵	۰/۰۱۸۹	۳/۶۱۲۳	۰/۰۰۰۳	۱/۰۵۹۳
$PC_{i,t} * MS_{i,t}$	-۰/۰۸۱۵	۰/۰۲۶۷	۳/۰۴۶۴	۰/۰۰۲۳	۲/۵۶۸۱
$AGE_{i,t}$	-۰/۰۰۷۶	۰/۰۰۱۸	۴/۱۸۵۹	۰/۰۰۰۰	۱/۰۷۳۲
$ASP_{i,t}$	-۰/۰۰۸۰	۰/۰۰۱۹	-۴/۰۳۰۰	۰/۰۰۰۱	۱/۲۴۲۴
$BEX_{i,t}$	-۰/۰۹۹۶	۰/۰۵۸۵	۱/۷۰۱۹	۰/۰۸۸۹	۱/۱۳۶۲
$BLD_{i,t}$	-۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۰۸	۳/۰۱۴۸	۰/۰۰۲۶	۱/۰۴۶۳
$DEF_{i,t}$	-۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۶۱	۰/۸۴۶۹	-۰/۳۹۷۱	۱/۴۱۹۵
$FCF_{i,t}$	-۰/۰۱۶۵	۰/۰۰۶۹	۲/۴۰۵۴	-۰/۰۱۶۲	۱/۳۶۱۴
$ICW_{i,t}$	-۰/۰۰۲۸	۰/۰۰۱۰	۲/۷۷۱۳	۰/۰۰۵۶	۱/۱۱۴۴
$INV_{i,t}$	-۰/۰۳۱۵	۰/۰۰۸۹	۳/۵۳۴۷	۰/۰۰۰۴	۱/۱۲۸۰
$IOS_{i,t}$	-۰/۰۱۲۴	۰/۰۰۳۶	-۳/۴۲۳۳	۰/۰۰۰۶	۱/۲۰۹۴
$LOS_{i,t}$	-۰/۰۰۳۶	۰/۰۰۲۰	۱/۷۷۲۵	-۰/۰۷۶۵	۱/۴۰۵۷
$PRF_{i,t}$	-۰/۰۰۸۹۶	۰/۰۱۵۶	-۵/۷۴۷۹	۰/۰۰۰۰	۱/۹۱۵۴
$SIZE_{i,t}$	-۰/۰۰۸۰	۰/۰۰۱۹	-۴/۱۹۵۰	۰/۰۰۰۰	۱/۴۶۲۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۲۶۸	آماره دوربین - واتسون	۲/۰۷۲۴	۰/۰۰۰۰	
آماره فیشتر (روابط خطی)	۲۵/۸۷۹	احتمال آماره فیشتر	۰/۰۰۰۰		
آماره اف لیمر چاو (ترکیب پذیری)	۲۲/۳۸۹	احتمال آماره اف لیمر	۰/۰۰۰۰		
آماره کای دو هاسمن (اثرپذیری)	۶۱/۹۳۴	احتمال آماره کای دو	۰/۰۰۰۰		
آماره اف وایت (ناهمسانی واریانسها)	۶/۴۷۲۸	احتمال آماره اف	۰/۰۰۰۰		

به علاوه نتایج آزمون مدل های مندرج در نگاره های (۷)، (۸) و (۹) نشان دادند سپری شدن زمان بیشتر از تاریخ پذیرش شرکت ها در بورس، نفوذ مدیر عامل در رهبری هیأت مدیره به دلیل دوگانگی وظایف، وجود جریان نقد آزاد بیشتر به عنوان منبع وجه نقد پس از انجام پرداخت های معین و مرجع قدرت نمایی مدیران، وجود و گزارش ضعف کنترل های داخلی در گزارش حسابرسان مستقل، صرف وجه بیشتر توسط مدیران در انجام سرمایه گذاری جدید، کاهش درصد تملک سهامداران نهادی در ساختار مالکیت، ضعف عملکرد از بعد کاهش سودآوری ناشی از بکارگیری دارایی ها و کوچک بودن اندازه شرکت ها عواملی هستند که سبب تشدید تضادهای نمایندگی و افزایش هزینه های نمایندگی شده اند. از طرفی، کاهش عمر معاملاتی، تفکیک وظایف مدیر عامل از رهبری هیأت مدیره، کاهش میزان دسترسی مدیران به جریان نقد آزاد، وجود کنترل داخلی قوی، کاهش سرمایه گذاری ناکارا و اضافی، افزایش مالکیت سهامداران نهادی، بهبود عملکرد از طریق افزایش سودآوری و توسعه اندازه شرکت ها از عوامل کاهنده شدت تضادهای نمایندگی بوده و به کاهش هزینه نمایندگی می انجامند.

نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور بررسی قیاسی متغیرهای کلیدی در سطوح شرکت های دارای روابط سیاسی و شرکت های فاقد روابط سیاسی در ادامه ارائه شده اند. نتایج درج شده در نگاره (۱۰) نشان داد سطح هزینه های نمایندگی در مشاهده های برخوردار از روابط سیاسی بیشتر از مشاهده های فاقد روابط سیاسی است و این اختلاف از لحاظ آماری معنادار است. این نتیجه، حاکی از تأیید فرضیه چهارم پژوهش است. در واقع، یافته ها نشان داد روابط سیاسی عاملی جهت افزایش تضادهای نمایندگی است و سطح هزینه های نمایندگی در شرکت های برخوردار از روابط سیاسی، بالاتر است.

نگاره (۱۰): نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش

معناداری	آماره اف	انحراف معیار	میانگین	فراوانی		متغیرها به تفکیک روابط سیاسی $AC_{i,t}^{PC_{i,t}=0}$ $AC_{i,t}^{PC_{i,t}=1}$ کل مشاهده ها
				درصد	تعداد	
۰/۰۰۰۵	۱۲/۲۶۹	۰/۰۵۷۷	۰/۰۷۸۲	۳۳/۴۳	۶۸۲	
		۰/۱۷۵۴	۰/۰۹۶۶	۶۶/۵۷	۱۳۵۸	
		۰/۱۱۲۱	۰/۰۸۴۴	۱۰۰	۲۰۴۰	

به علاوه، نتایج مندرج در نگاره (۱۱) نشان داد میزان تحریف در گزارشگری مالی مشاهده های برخوردار از روابط سیاسی بیشتر از مشاهده های فاقد روابط سیاسی است و این اختلاف از لحاظ آماری معنادار است. این نتیجه، حاکی از تأیید فرضیه پنجم پژوهش است. در واقع، یافته ها نشان داد روابط سیاسی عاملی جهت افزایش تمایل مدیران به بهره گیری از قضاوت های فرصت طلبانه در گزارش سود بوده و میزان تحریف در گزارشگری مالی شرکت های برخوردار از روابط سیاسی، بالاتر است.

نگاره (۱۱): نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش

معناداری	آماره اف	انحراف معیار	میانگین	فراوانی		متغیرها به تفکیک روابط سیاسی $MS_{i,t}^{PC_{i,t}=0}$ $MS_{i,t}^{PC_{i,t}=1}$ کل مشاهده ها
				درصد	تعداد	
۰/۰۰۵۹	۷/۶۰۰۴	۰/۰۲۷۷	۰/۰۷۷۳	۳۳/۴۳	۶۸۲	
		۰/۰۴۶۶	۰/۰۸۲۶	۶۶/۵۷	۱۳۵۸	
		۰/۰۴۰۹	۰/۰۷۹۲	۱۰۰	۲۰۴۰	

بحث و نتیجه گیری پژوهش

جدایی مالکیت از مدیریت، احتمال افزایش ناقربینگی اطلاعاتی، کاهش شفافیت و کیفیت اطلاعات مالی، پیروی از تمایلات و انگیزه های فرصت طلبانه از مصادیق مشکلات نمایندگی هستند و به دلیل گستردگی عوامل زمینه ای و بنیادی در

ایجاد این مشکلات، ارزیابی نحوه تأثیر این عوامل بر ابعاد هزینه‌های نمایندگی دارای اهمیت است. وجود دیدگاه‌های مختلف در حوزه گزارشگری مالی ناشی از پیامدهای مدیریت سود از یک سو و وجود دیدگاه‌های مختلف در حوزه پیامدهای برقراری روابط سیاسی با کانون‌های قدرت از سوی، سبب ایجاد ابهام در مورد نحوه تأثیر این عوامل بر هزینه‌های نمایندگی شده است. جهت بررسی این ابهام‌ها، در این مقاله تأثیر روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی و نقش مدیران در ایجاد تحریف احتمالی در گزارشگری مالی و ارتباط آن با هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها به ویژه در شرایط وجود روابط سیاسی بررسی شده است.

طبق نتایج برازش مدل‌های پژوهش، روابط سیاسی عامل تشدید هزینه‌های نمایندگی است؛ به عبارتی روابط شرکت‌ها با کانون قدرت سیاسی در نظام اقتصادی منجر به افزایش تضاد منافع در شرکت‌ها شده و احتمال وجود پیامدهای منفی ناشی از این رویداد ممکن است به حقوق سهامداران آسیب برساند. هرچند در برخی مطالعات شواهدی از منافع ناشی از وجود روابط سیاسی بدست آمده است و به واسطه نظارت‌های ناشی از کانون قدرت سیاسی، رفتار مدیران شرکت‌ها متمایل به ایجاد همگرایی منافع است، اما بسیاری از مطالعات شواهدی از وجود مخارج با اهمیتی در زمینه روابط سیاسی ارائه داده‌اند که پیامدهای مخربی به بار آورده‌اند. استدلال این است که روابط سیاسی ممکن است ابزاری در دست سیاستمداران در رأس اداره شرکت‌ها باشد و در شرکت‌های با روابط سیاسی، مدیران نه تنها به منافع عمومی توجهی نکرده و به دنبال افزایش ارزش و ثروت سهامداران نیستند، بلکه مدیران شرکت‌های با روابط سیاسی، منافع شخصی را دنبال می‌کنند. ضعف دیگر شرکت‌های با روابط سیاسی، عدم شفافیت اطلاعاتی است که به واسطه انگیزه‌ها و تمایلات خاص مدیران ایجاد می‌شود (فاسیو و همکاران، ۲۰۰۶؛ براگیون و مور، ۲۰۱۳؛ برتراند و همکاران، ۲۰۱۸). در بازارهای با محیط قانونی ضعیف، تلاش مدیران در دستیابی به منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت سبب افزایش تمایل به بهره‌گیری از روابط سیاسی شده و حمایت ضعیف از سهامداران سبب شده مدیران با روابط سیاسی از قدرت لازم جهت تصبیح حقوق سهامداران اقلیت برخوردار شوند. این رو برخورداری از روابط سیاسی سبب افزایش سطح هزینه‌های نمایندگی می‌شود. این نتایج مطابق با مطالعات فاسیو (۲۰۰۶)، آریفور و همکاران (۲۰۱۶) و سونگ و همکاران (۲۰۲۲) است.

به علاوه طبق نتایج برازش مدل‌های پژوهش، تحریف گزارشگری مالی از طریق مدیریت سود از عوامل تشدید هزینه‌های نمایندگی است؛ اگر مدیران به واسطه تضادهای نمایندگی اقدام به سوءگیری در گزارشگری مالی نموده و از انعطاف‌پذیری حسابداری جهت دستیابی به سود هدف استفاده کنند، بستری جهت افزایش واگرایی منافع در شرکت‌ها فراهم شده و این موضوع به افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌انجامد. این نتایج منطبق با دیدگاه فرصت‌طلبانه مدیریت سود است که از مصادیق مشکلات نمایندگی است و مطابق با نتایج مطالعات چوانگ و همکاران (۲۰۱۰)، هسو و لیو (۲۰۱۶)، بینگ (۲۰۱۶)، مان (۲۰۲۱)، مونوز مندوزا و همکاران (۲۰۲۱) و از طرفی مغایر با نتایج مطالعات جیراپورن و همکاران (۲۰۰۸) و پوترا و همکاران (۲۰۱۸) است که حاکی از وجود دیدگاه کارا بودن پدیده مدیریت سود و وجود رابطه منفی بین هزینه‌های نمایندگی و مدیریت سود است.

همچنین طبق نتایج برازش مدل‌های پژوهش، پیامدهای زیان‌بار ناشی از اقدام مدیریت جهت تحریف گزارشگری مالی از طریق مدیریت سود به ویژه در شرکت‌های با روابط سیاسی سبب تشدید تضاد منافع و افزایش سطح هزینه‌های نمایندگی شده است. در حقیقت، انجام مدیریت سود و برخورداری از روابط سیاسی هر دو زمینه‌ساز افزایش مشکلات نمایندگی هستند. هرچند برخی مطالعات شواهدی از افزایش کیفیت گزارشگری مالی، بهبود شفافیت اطلاعات، کاهش اقلام تعهدی و کاهش مدیریت سود در شرکت‌های با روابط سیاسی ارائه داده‌اند (گدحامی و همکاران، ۲۰۱۴؛ بهانداری و همکاران، ۲۰۱۸؛ خلیل و همکاران، ۲۰۲۲) و این موارد ممکن است به دلیل وجود همگرایی‌ها در منافع با تمرکز بر بعد کارایی در گزارشگری مالی باشد، با این حال در مطالعاتی نیز وجود ضعف در گزارشگری مالی، کاهش شفافیت اطلاعاتی، کاهش کیفیت سود، افزایش

اقدام تعهدی، افزایش احتمال مدیریت سود و تحریف در گزارش سود شرکت‌های با روابط سیاسی مشاهده شده است (چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ سریندهی و همکاران، ۲۰۱۲؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۷؛ هشمی و همکاران، ۲۰۱۸؛ پراتیوی و سیرگار، ۲۰۱۹؛ زارفار و همکاران، ۲۰۲۳) که این موارد می‌توانند با ایجاد بستری همراه با ابهام در گزارشگری مالی طبق رویکرد فرصت‌طلبی موجب افزایش سطح هزینه‌های نمایندگی شوند (چوانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ هسو و لیو، ۲۰۱۶؛ بینگ، ۲۰۱۶؛ مان، ۲۰۲۱).

سایر یافته‌ها گویای آن است که میزان تحریف گزارشگری مالی و سطح هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های فاقد روابط سیاسی تفاوت معناداری دارد. به این ترتیب که تحریف گزارشگری مالی و هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی بیشتر از شرکت‌های بدون روابط سیاسی است. این نتایج بیانگر برخی آسیب‌های ناشی از برقراری روابط سیاسی در ایران است و نشان دهنده آن است که هرچند در مواردی برقراری این روابط منافی برای شرکت‌ها به همراه دارد، اما در عین حال مخارجی به ویژه برای ذی‌نفعان مانند کاهش کیفیت گزارشگری مالی و افزایش تضادهای نمایندگی در بردارد.

به طور کلی، شواهد پژوهش منطبق با فرضیه نمایندگی سیاسی است که طبق آن مدیران از یک طرف به دلیل وجود برخی تمایلات و انگیزه‌های فرصت‌طلبانه ناشی از مسائل نمایندگی در حوزه گزارشگری مالی و از طرفی به دلیل آسیب‌های ناشی از توسل به برقراری روابط با کانون قدرت سیاسی اقتصادی، سبب تشدید تضادهای نمایندگی می‌شوند.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به مدیران و اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود با انجام اقدامات لازم جهت همگرایی منافع، زمینه‌ساز کاهش هزینه‌های نمایندگی شوند. توجه به نقش روابط سیاسی و مدنظر قرار دادن منافع و مخارج ناشی از این چالش اساسی در نظام اقتصاد دولتی موضوعی است که به گروه‌های مختلف سهامداران، سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، اعتباردهندگان، سازمان بورس، سازمان حسابرسی و سایر ارکان ذی‌نفع پیشنهاد می‌شود آن را در کانون تحلیل خود نسبت به ارزیابی هزینه‌های نمایندگی مرتبط با تضاد منافع در شرکت‌ها قرار دهند؛ زیرا شواهد حاکی از هزینه‌زا بودن روابط سیاسی از بعد نظریه نمایندگی سیاسی است. به علاوه، از بعد عوامل انگیزه‌ای در زمینه بروز هزینه‌های نمایندگی شواهد پژوهش نشان دادند تمایل مدیران به ایجاد انحراف در گزارش سود از طریق اعمال مدیریت سود تعهدی نقش مهمی در تشدید مشکلات نمایندگی دارد. به کمیته‌های حسابرسی، حسابرسان مستقل، حسابرسان داخلی، ارکان نظارتی و سازمان‌های قانون‌گذار پیشنهاد می‌شود جهت تحقق اهداف راهبری شرکتی با اعمال رفتارهای کارآمد و اثربخش زمینه‌ساز کاهش سطح مشکلات نمایندگی شوند. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود جنبه‌های دیگری از مصادیق انحراف‌های رفتاری مدیران در اتخاذ تصمیمات شرکتی مثل مدیریت سود ناشی از فعالیت‌های واقعی، مدیریت سود مبتنی بر تغییر طبقه‌بندی اقلام، معاملات با اشخاص وابسته، تصمیمات تورشوی در زمینه مالی رفتاری، ناکارآمدی تصمیمات سرمایه‌گذاری و امکان بروز انحراف سرمایه‌گذاری از سطح بهینه، انحراف از سطح بهینه تأمین مالی و سرعت تعدیل ساختار سرمایه، نگهداشت وجه نقد و انحراف از سطح بهینه نگهداشت وجه نقد در ارتباط با هزینه‌های نمایندگی مورد ارزیابی قرار گیرند. همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود موضوع پژوهش را با تمرکز بر تحلیل حساسیت نسبت به اثربخشی معیارهای ورودی و خروجی ساختار کیفیت حسابرسی در کاهش بالقوه هزینه‌های نمایندگی بررسی کنند. پیشنهاد می‌شود ارتباط تحولات اقتصادی از جمله سیکل‌های اقتصادی، ثبات مالی اقتصادی، استرس مالی، وضعیت رقابتی در محیط اقتصادی تجاری و نابسامانی مالی شرکت‌ها در ارزیابی هزینه‌های نمایندگی تحلیل شوند.

منابع

- ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی و کریمی، اسحاق. (۱۳۹۸). اثر تعاملی اندازه مؤسسه حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی، درماندگی مالی و هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱ (۲)، ۱-۳۴.
- ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی و حسن‌زاده، مهدی. (۱۳۹۶). واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی. مدیریت سازمان‌های دولتی، ۵ (۲)، ۶۱-۷۶.
- باغومیان، رافیک؛ خانی، ذبیح‌الله؛ رجب‌دُری، حسین و شرفی، نسیم. (۱۴۰۰). رابطه ناخوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی با نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۳ (۵۲): ۴۷-۶۲.
- تقوی، مهدی؛ جبارزاده‌کنگر لویی، سعید و خدایاریگانه، سعید. (۱۳۸۹). تبیین رابطه هزینه‌های نمایندگی و ارزش شرکت با مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱ (۳)، ۱۰۹-۱۳۳.
- جنت‌مکان، حسین؛ حمیدیان، محسن و حاجیها، زهره. (۱۳۹۸). بررسی رابطه ارتباطات سیاسی با مدیریت مبتنی بر ارزش آفرینی و هزینه نمایندگی: آزمون تئوری اقتصاد سیاسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸ (۳۱): ۲۱۵-۲۳۰.
- حسنی، محمد. (۱۴۰۲). کنش حسابرسان مستقل در مواجهه با تضادهای نمایندگی شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی. قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی. پذیرفته شده و آماده انتشار.
- حسنی، محمد و صالحی، آزاده. (۱۳۹۹). ارزیابی تحلیلی آثار روابط سیاسی مالکیت-مدیریت و نظارت حسابرسان مبتنی بر انگیزه شهرت در کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۲ (۳): ۱-۲۲.
- خواجوی، شکراله؛ نصیری‌فر، هاشم و قدیریان‌آرانی، محمدحسین. (۱۴۰۰). ارتباطات سیاسی و کیفیت اطلاعات حسابداری: شواهدی از تجدید ارائه صورت‌های مالی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۸ (۷۱): ۱-۳۲.
- دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا و پرویزی‌راحت، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی اثر میانجی کیفیت حسابرسی در رابطه بین مشکلات نمایندگی و کیفیت گزارشگری مالی. دانش حسابداری مالی، ۲ (۶): ۱۱۵-۱۳۲.
- رضازاده، جواد و محمدی، عبدالله. (۱۳۹۸). توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶ (۲)، ۲۱۷-۲۳۸.
- رضایی، فرزین و ویسی‌حصار، ثریا. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱ (۴)، ۴۴۹-۴۷۰.
- سعیدی، سهیلا. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و مدیریت سود با تأکید بر نقش تعدیلی ارتباطات سیاسی مدیران شرکت. رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری. ۷ (۲۴): ۹۵۷-۹۷۴.
- شاه‌صاحبی، سیدمصطفی و دارابی، رویا. (۱۳۹۷). اثر تعدیلی اندازه مؤسسه حسابرسی بر رابطه هزینه‌های نمایندگی و روابط سیاسی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۷ (۲۸)، ۹۱-۱۰۴.
- عطاراسدی، مریم؛ احدی‌سرکانی، سیدیوسف و امینی‌خوزانی، محسن. (۱۴۰۱). تجزیه و تحلیل مدیریت سود و مدیریت ریسک متأثر از رفتارهای متقلبان (نقش عوامل تعدیل‌کننده). دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۵ (۵۳)، ۹۷-۱۰۹.
- فغانی، مهدی و پهلوان، هادی. (۱۳۹۷). تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر رابطه بین کیفیت کنترل‌های داخلی و مدیریت سود. دانش حسابداری، ۹ (۳)، ۶۵-۸۷.
- کامیابی، یحیی؛ کوبی، صدریه و گلچین، زهرا. (۱۳۹۶). تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه کیفیت اقلام تعهدی و هزینه‌های نمایندگی. فصلنامه مدیریت کسب و کار، ۹ (۳۵)، ۷۳-۹۶.
- مجتهدزاده، ویدا و اثنی‌عشری، حمیده. (۱۳۹۱). رابطه خصوصی‌سازی، ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی و اصلاح قوانین و مقررات با هزینه‌های نمایندگی در بنگاه‌های سابقاً دولتی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲ (۱)، ۱-۲۰.
- مکوندی، سارا؛ بنی‌طالبی دهکردی، بهاره و جعفری، حمیدرضا. (۱۴۰۱). تأثیر اجرای گزارشگری مالی تحت وب بر مدیریت سود با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده هزینه نمایندگی، توسعه و سرمایه، انتشار آنلاین.

- نظری پور، محمد و مقصودپور، صلاح‌الدین. (۱۳۹۹). تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه. دانش حسابداری، ۱۱ (۲): ۲۰۷-۱۶۹.
- نعمت‌نژاد، معصومه؛ حاجیها، زهره؛ کیایی، علی. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر ریسک تداوم فعالیت و روابط سیاسی بر روابط بین کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۲۱ (۸۴)، ۴۱۳-۴۴۱.
- نمازی، محمد و رضایی، غلامرضا. (۱۳۹۲). بررسی اثرات کیفیت اقلام تعهدی و مربوط بودن اطلاعات مالی بر هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱ (۴۴)، ۳۷-۶۹.
- نوروزی، محمد؛ آذین فر، کاوه؛ عباسی، ابراهیم و داداشی، ایمان. (۱۴۰۰). مدل‌بندی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی. راهبرد مدیریت مالی، ۹ (۲)، ۲۰۱-۲۲۳.
- نوروزی، محمد؛ آذین فر، کاوه؛ عباسی، ابراهیم و داداشی، ایمان. (۱۳۹۹). طراحی مدل و ارزیابی نقش تعدیلی توانایی مدیریت بر رابطه بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۲ (۱)، ۱-۱۸.
- نیکومرام، هاشم؛ بنی‌مهد، بهمن؛ رهنمای‌رودپشتی، فریدون و کیایی، علی. (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود. حسابداری مدیریت، ۶ (۱۸)، ۳۱-۴۳.
- ولی‌زاده‌لاریجانی، اعظم؛ رحمانی، علی و ساده، شقایق. (۱۳۹۷). رابطه بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی، هزینه نمایندگی و مدیریت سود. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷ (۲۵)، ۲۹-۴۰.

Abdul Wahab, E.A., Jamaludin, M.F., Agustia, D., & Harymawan, I. (2020). Director Networks, Political Connections, and Earnings Quality in Malaysia. *Management and Organization Review*, 16 (3), 687-724.

Ahmed, A.S., Grady, M., & Duellman, S. (2022). Political Connections and the Trade-off between Real and Accrual-Based Earnings Management. *Contemporary Accounting Research*. 39(4), 2730-2757.

Alhadab, M., Abdullatif, M., Ahmed, A.H., Tahat, Y., & Mansour, I. (2021). Political connections, government ownership, and earnings management: evidence from Jordan. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 17 (1-2): 93-126.

Arifur, K., Dessalegn, G., Mihret, M., & Badrul, M. (2016). Corporate political connections, agency costs and audit quality. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24 (4), 1-29.

Arya, A., Glover, J., & Sunder, S. (2003). Are unmanaged earnings always better for shareholders?. *Accounting Horizons*, 17, 111-116.

Bertrand, M., Kramarz, F., Schoar, A., & Thesmar, D. (2018). The cost of political connections. *Review of Finance*, 22 (3), 849-876.

Bhandari, A., Golden, J., & Theveno, M. (2018). CEO Political Ideology and Financial Reporting Quality. Working Paper. <https://www.lsu.edu/business/documents>

- Bleibtreu, C., Königsgruber, R., Lanzi, T. (2022). Financial reporting and corporate political connections: An analytical model of interactions. *Journal of Accounting and Public Policy*, 41(3), 106904.
- Bosse, D.A., & Phillips, R.A. (2016). Agency theory and bounded self-interest. *Academy of Management Review*, 41 (2), 276-297.
- Boubakri, N., Cosset, J.C., & Saffar, W. (2008). Political connections of newly privatized firms. *Journal of Corporate Finance*, 14 (5): 654-673.
- Braggion, F., & Moore, L. (2013). The Economic Benefits of Political Connections in Late Victorian Britain. *The Journal of Economic History*, 73 (1) 142-176.
- Carney, R.W., Child, T.B., & Li, X., (2020), Board connections & crisis performance: Family, state, and political networks, *Journal of Corporate Finance*, 64, 101630, 1-24.
- Chaney, P.K., Faccio, M., & Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically-connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1-2): 58-76.
- Chi, J., Liao, J., & Chen, X. (2016). Politically connected CEOs & earnings management: evidence from China. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 21(3): 397-417.
- Chuang, L., Xiuhong, L., & Zhang, L. (2010). Earnings Quality and the Agency Costs of Controlling Shareholder. *International Conference on E-Business and E-Government*, PP: 5132-5135.
- Chuang, L., Xiuhong, L., & Zhu, L. (2010). Earnings Quality and the Agency Costs of Managerial Discretion: The Corporate Governance Effect of Accounting Information. *International Conference on E-Business and E-Government*, PP: 3924-3927.
- Dechow, P., Sloan, R., Sweeney, A. (1995). Detecting Earnings Management. *Accounting Review*, 70(2): 193-225.
- Dey, A. (2008). Corporate governance and agency conflicts. *Journal of Accounting Research*, 46 (5): 1143-1181.
- Ding, S., Jia, C., Wilson, C., & Wu, Z. (2015). Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 45 (2): 407-434.
- Faccio, M. (2010). Differences between politically-connected and non-connected firms: A cross country analysis. *Financial Management*, 39 (3): 905-928.
- Faccio, M.(2006).Politically-connected firms.American Economic Review,96(1):369-386.
- Faccio, M., Masulis, R.W., & McConnell, J.J. (2006). Political Connections and Corporate Bailouts. *Journal of Finance*, 61, 2597-2635.

- Fan, J.P.H., Wong, T.J., & Zhang, T. (2007). Politically-connected CEOs, corporate governance and post-IPO performance of China's newly partially-privatized firms. *Journal of Financial Economics*, 84 (2): 330-357.
- Guedhami, O., Pittman, J.A., Saffar, W., (2014), Auditor Choice in Politically Connected Firms, *Journal of Accounting Research*, 52 (1): 107-162.
- Hao Q., & Yao, L. (2010). An explanation for earnings management: opportunistic or signaling?. *Journal of Theoretical Accounting Research*, 5 (2), 82-100.
- Hashmi, M.A., Brahmana, R.K., & Lau, E. (2018). Political connections, family firms and earnings quality,. *Management Research Review*, 41 (4): 414-432.
- Healy, P.M., & Wahlen, J.M. (1999). A Review of the Earnings Management Literature & Its Implication for Standard Setting. *Journal of Accounting Horizons*, 4, 365-373.
- Holthausen, R.W. (1990). Accounting method choice: opportunistic behavior, efficient contracting and information perspectives. *Journal of Accounting and Economics*, 12 (1-3), 207-218.
- Hsu, A.W., & Liu, S.H. (2016). Organizational structure, agency costs, and accrual quality. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 12(1), 35-60.
- Hu, Y., Wang, C., Xiao, G., & Zeng, J. (2020). The agency cost of political connections: Evidence from China's File 18. *Pacific-Basin Finance Journal*, 64 (Dec), 101426.
- Ines, A. (2017). The effect of discretionary accruals on financial statement fraud: The case of the French companies. *International Research Journal of Finance and Economics*, 161, 48-62.
- Jensen, M.C., Meckling, W.H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3 (4): 305-360.
- Jiraporn, P., Miller, G.A., Yoon, S.S., & Kim, Y.S. (2008). Is earnings management opportunistic or beneficial?: An agency theory perspective. *International Review of Financial Analysis*, 17 (3), 622-634.
- Jones, J.J. (1991). Earnings management during import relief investigations,. *Journal of Accounting Research*, 29 (2): 193-228.
- Khalil, M., Harianto, S., & Guney, Y. (2022). Do Political Connections Reduce Earnings Management?. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 59, 273-310.
- Liu, Y., Li, X., Zeng, H., & An, Y. (2017). Political connections, auditor choice and corporate accounting transparency: evidence from private sector firms in China. *Accounting and Finance*, 57 (4), 1071-1099.

- Man, Y. (2021). Earnings management and agency costs: Is China different?. *Journal of Corporate Accounting & Finance*, 32(1), 13-30.
- McKnight, P.J., & Weir, C. (2009). Agency costs, corporate governance mechanisms and ownership structure in large UK publicly quoted companies: A panel data analysis. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 49 (2): 139-158.
- McVay, S.E. (2006). Earnings management using classification shifting: An examination of core earnings and special item. *The Accounting Review*, 81 (3), 501-531.
- Muñoz Mendoza, J.A., Veloso Ramos, C.L., Sepúlveda Yelpo, S.M., Delgado Fuentealba, C.L., & Fuentes-Solís, R.A. (2021). Impact of earnings management on agency costs: evidence from MILA markets, *Baltic Journal of Management*, 16 (2), 247-275.
- Obeng, V.A., Ahmed, K., & Miglani, S. (2020). Integrated reporting and earnings quality: The moderating effect of agency costs. *Pacific Basin Finance Journal*, 60 (C), 101285, 1-38.
- Owusu, A., Weir, C. (2018). Agency costs, ownership structure and corporate governance mechanisms in Ghana. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 14 (1): 63-84.
- Pratiwi, I., & Siregar, S.V. (2019). The effect of corporate social responsibility on tax avoidance and earnings management: The moderating role of political connections. *International Journal of Business*, 24(3), 229-248.
- Putra, A.M., Pagalung, G., Habbe, A.H. (2018). Culture and corruption-driven agency costs and earnings management: evidence from South East Asian countries. *Intangible Capital*, 14(4), 499-517.
- Rashid, A. (2016). Managerial ownership and agency cost: Evidence from Bangladesh. *Journal of Business Ethics*, 137 (3), 609-621.
- Ratnawati, V., Abdul-Hamid, M.A., & Johnson Popoola, O.M. (2016). The Influence of Agency Conflict Types I and II on Earnings Management. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 6(4) 126-131.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42 (3): 335-370.
- Song, Y., Wei, X., Zhou, Y., & Jacobsen, B. (2022). Politically Connected Enterprises: Business Strategy or Agency Problem?. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4021378>

- Srinidhi, B., Zhang, H., & Zhang, T. (2012). Auditor Choice and Earnings Quality in Politically Connected Firms: Evidence from Private Sector Firms in China. Working Paper, Accountancy Department, University of Hong Kong.
- Wang, Z., Braam, G., Reimsbach, D., & Wang, J. (2020). Political embeddedness and firms' choices of earnings management strategies in China, *Accounting & Finance*, 60(5), 4723-4755.
- Wang, Z., Chen, M.H., Chin, C.L., & Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections and fraudulent financial reporting. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36(2), 141-162.
- Watts, R.L., & Zimmerman, J.L. (1983). Agency problems, auditing and the theory of the firm: some evidence. *Journal of Law and Economics*, 26 (3): 613-633.
- Ying, Y. (2016). Internal control information disclosure quality, agency cost and earnings management: based on the empirical data from 2011 to 2013. *Modern Economy*, 7 (1), 64-70.
- Zarefar, A., Azmi, N.A., Wan Ismail, W.A., & Kamarudin, K.A. (2023). The moderating effect of political connection on the relationship between non-audit services and accounting quality: Evidence from an emerging market. *Cogent Economics & Finance*, 11:1, 2175457.